



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فَإِنَّ اللَّهَ إِلَهُكُمْ
وَأَنْتُمْ لِعَالَمٍ أَلَدَدٍ
مَعَهُ

وَمَا يَكْفُرُ بِهِ إِلَّا الْأَقَلُّ
مِنْ النَّاسِ وَلَئِنْ أَسْأَلْتَهُمْ
مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
وَالَّذِينَ فِيهِنَّ رُكْنٌ وَاقِفُونَ

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذی جعل السواک من سنن المرسلین و در وضوء و تطهیر و لغفم المستأثین و
 و الصلوة علی من امر به عند کل صلوة للمصلین و وضاعت و رتبة صلوة المتاک
 علی غیره بسبعین و علی آله و اصحابه الذین اهتموا بامثال اوامر الله
 و رسوله الامین و حتی انهم جعلوا اسو کتھم فی الاذان موضع التسلم
 من الکاتبین و اما بعد غافل از کار بندہ گنہ گار محتاج رحمت غفار
 از کردہ خویش نادوم و شرمسار زلہ ربای نامندہ علمای ذوی الاعتبار
 خوشه چین خرمین فضلای روزگار سردر بموایی دست و پا آوارہ بادیه بیچرانی
 نابلد کوه پرخندانی پر از سیات تنی از حسنات محمد شولت علی بن شیخ مستطی
 بن شیخ منصب علی سند علی عفا الله عنهم و بنهم الخفی و الجلی بر تخمیر مهر تنویر علما تحریر

منکشف میگردد آنکه سواک یکی از فطرت‌های دین‌تین و منت‌های انبیا و مرسلین است حضرت
سید البشر شفیع روز محشر در ماده سواک تاکیدیکه بکار برده و بمبالغه که از حد گذرانیده
دلیل بر عظمت شان و بر مان بر رفعت مکان اوست درین جزو زمان و طرف
دوران اکثری از انبای روزگار و بسیاری از مسلمانان دیار و امصار ترک این
سنت سنیه حضرت خیر البریه میکنند و از فوز این نعمت عظمی دست بجرمان می زنند
با وجودیکه احرار این ثواب و در زمان قلیلی بل آنی با عانت بچوبی و تحریک سنی جهان
و جمعی حاصل می شود لکن از کسالت نفس کامل و سهولت طبع غافل بسبب جهل از فضیلت
مسواک یا وقوع غفلت مستاک از فوز این سعادت عظمی فنیل این نعمت کبری
حرمانی رو میدهند و چون عمل بر مسواک موقوف بر علم نیست که در باره فضائل فوائده
مسواک و بمقدمه بمبالغه استیلاک از کاف و ما ارسلاک مروی شن و آن
علم اگر چه از دیدن روایات و اخباریکه در کتب سنت نبویه و عبادتیه بر فقیه منقول
گردیده حاصل می شود اما کتابی یا رساله مختص که در باب مسواک حاوی
مسائل متفق و مختلفه باشد و جمع دلائل مذاهب متوجه کند و احاطه اخبار
و آثار نماید و منافع و فوائد را فراگیر و یافته نشدند این رساله مختصره که مسائل متعلقه
مسواک اوفی و دلائل مذاهب مختلفه فقهارا کافی است موسوم به غایۃ الادراک
فی مسائل السواک بقاالتالیف در آوردم و بسک ترخیص و کشیدم و این بحال
نافعه و قراضه ساطعه است و چندان اراکات گردانیدم خداوند عز و اسم تعالی جل شانہ
مقبول فرموده برادران دینی و خلایان ایمانی را انفع عاجل بخشد و مؤلف
را ثواب آجل کرامت فرماید انه بالا جابة تدیر و بانجلاح المسؤل جدید

از ماک اول و تحقیق معنی سواک بدان که سواک بالکسر و معنی وارد اول است
 بمعنی چوبی که بدان دندان مالیده شوند و دوم مصدر است بمعنی کردن سواک و سواک
 مراد است سواک است بمعنی اول فی النهاية الاثریه آسواک بالکسر سواک مایه لک به الانسان
 من الیعدان فی امداد الفتاح شرح نور الایضاح و نجاة الارواح و السواک بکسر السین اسم لاشیا
 و العود الذی یستاک به ایضا و سواک بمعنی اول مذکور است کما فی شرح المسلم للنووی و کذا بنی شرح
 هدایه میگوید که بدین معنی مذکور و مؤنث هر دو آورده میشود و صاحب کتم نیز حکم بجواز تکرار ثانیث او کرده
 و ثانیث میگوید که عرب سواک را مؤنث همی آرند و از هر یکی که از علمای لغت است گفته که این قول است
 را از جهات اغالیط قبیحه او ثوان شمرده و معنی اول مراد اهل لغت است و معنی ثانی یعنی استعمال چوب
 و مانند آن بدانان با صطلح فقهاست فی شرح المسلم للنووی قال اهل اللغة السواک بکسر السین
 یطبیق علی الفعل و علی العود الذی یتسوک به و هو مذکور قال الیث و توثقه العرب ایضا قال المازهری
 هذا من عدد الیث ای من اغالیطه القبیحه و ذکر صاحب المحکم انه یؤنث و یذکر و فی ایضا و هو فی
 صطلح العلماء استعمال عود او خود فی الانسان لیزه باصفرة و غیره باعنا و جمع سواک سواک
 بضمة یج آید مثل کتاب که جزئی کتب است و صاحب محکم می گوید که در جمع سواک سواک بضم زاء
 فی ذلک الشرح للنووی و جمع السواک سواک بضمة یج کتاب و کتب ذکر صاحب المحکم انه یجوز ایضا سواک بالفتح
 و سواک ماثور و از سواک بمعنی ذلک است چنانچه یگوید سواک فاه یسوی که او اول که بالسواک و سواک فاه
 یسوی که سواک یا مأخوذ از تساوک بمعنی تماثل است چنانچه می گویند جاءت الابل تساوک ای تماثل
 هر الا که فی النهاية الاثریه و شرح المسلم للنووی و مراد از لفظ سواک که در کتب فقه مذکور است معنی
 اول است بتقدیر مضان چه نسبت فعل سواک است نه نفس سواک و یا بمعنی ثانی است بدو تقدیر
 مضان و این مناسبت است بسبب حصول مقصود بلا ارتکاب تقدیر فی ذخیره المعنی حاشیه

از ماک اول و تحقیق معنی سواک

شرح الوقایة قوله والسواک وهو اذا کان بمنی السواک الذی هو اسم الخشب المعینة للاستیناک
 وجب تقدیر المضاف کلفظ الاستعمال مثلاً لان السنة الاستیناک لذی یو استمال السواک
 لانفسه وهو ظاهر واذ کان بمنی المصدر کما صرح فی الغایة وغیرہ بالاعتیاج الی شیء اصلاً وهو الا
 لان کمل علیه لفظ المصنف بحصول المقصود بلا تکلف تقدیر اوراک دوم ودر بیان حکم مطلق
 مسواک بدان که مسواک کردن مستحبست ودر جمیع اوقات متعین نیست بسببی مخصوص نیست بوقتی
 از شب و روز و شخصی بخشی خاص نفساً و طاهر و صائم و غیر صائم و نیست مسواک زن خاصاً و مرد
 و نماز بل از سنن بن بست پسین است و در آن جمله حالات کمرنگی گردد استحباب بن اعتبار بعضی سبب
 و متفرقی شود در بعض اوقات و این تعلیم روایت از ابی حنیفه رحمة الله علیه فی شرح المختصر الیاس
 الاستیناک مستحب فی جمیع الاوقات و فی شرح الامام النووی علی السلام ثم ان السواک مستحب فی جمیع الاوقات
 و فی سنن ابی امدی ناقلاً عن صلوة المسعودی و فی ظاهر الروایة انه سنة برأسه و فی البحر الرائق و فی سنن
 الوضوء بن مستحب مواضع و فی البنایة حاشیة الهدایة نقلاً عن شرح الطحاوی انه سنة رطباً کان و یا سباً
 مبللاً لا بالما و اولانی جمیع الاوقات علی ای حال کان و الايضاً فی البنایة و قال ابو عمر و فضل السواک
 جمیع کما علیه اختلاف فیہ و الصلوة عند الجمیع بفضله منها بغيره و قیماً ایضاً و هو اما من سنن لربنا
 فی قیستوی فیہ کل الاحوال کما نقل ذلک عن ابی حنیفة و دلیل این تعلیم و اطلاق چندا حدیث اند که در
 ادراک احادیث خواهند آمد باید دانست که نزد او و ظاهری مسواک کردن واجبست برای نماز
 لیکن اگر اثر ترک کند نماز باطل نشود و این وجوب تخصیص پذیرد و وقتی که جلسین و هشتین متناوبی گردد
 و مطلق وجوب راستیچ ابو حامد اسفرائینی امام عراقیین از و نقل کرده و عدم بطلان نماز را
 ماوردی از حکایت کرده و تخصیص بنگام تازی جلسین عبد الوهاب شعرانی نسبت با کرده و نزد یک
 اسحاق بن راهوی نیز واجبست حتی که اگر ترک کند آن را نماز باطل گردد و فی شرح المسلم للنووی

وقد حكى الشيخ ابو حامد الاسفرائيني امام اصحابنا العراقيين عن داود الناصري انه اوجب صلوة داود في
 المارودي عن داود قال هو عنده واجب لو تركه لم يطل صلاته وحكي عن اسحق بن راويه انه قال
 هو واجب ان تركه لم يطل صلاته وفي ميزان الشرائع قال داود وهو واجب لاسيما ان يجي
 منه الجليل من زاد اسحق ان من تركه لم يطل صلاته ومتاخرين اصحابنا في شيخ ابو حامد وغيره
 نقل وجوب الزاوي داود انكاره انه وكفته انه كرهه داود است كه مساك كرون سنت مست شل عتقا
 نماز و اگر نسبت وجوب بد او صحيح هم باشد تا هم مخلفش را نقد اجماع بر قول نماز كه بران اكثر علما
 و محققان هستند مضرتي ندارد و در صحت نقل وجوب زاحق زانكاري دارند في شرح النووي على
 السلم وقد اكرا اصحابنا المتأخرون على الشيخ ابي حامد وغيره نقل الوجوب عن داود وقالوا انه شبهه بآية
 كالجاعة ولو صح إيجابه عن داود لم يضر في الفتنة في انعقاد الاجماع على المختار الذي عليه المحققون الاكثر و ان
 اسحق فلم يصح هذا الكافي منه و انما هم اوراق سوم و در بيان حكم سواك و روضه بدان كه بعض
 از علما گفته اند كه سواك در توضي سنت موكده است في الدر المختار ناقل عن البحرة و السواك سنة موكدة
 و في امداد الفتاح و السواك من سنن الوضوء بخدا و في الكافي و السواك اى استعماله لانه عليه السلام
 و اطلب عليه و المواظبة مع الترك تدل على السنية و هذا قد تركه و في الصغيري و قد عده القدوري
 و الاكثرون من اسحق في الماصح لما ذكرنا في الشرح و في الدر المنثور و السنن ابيه داود بالسنن عليه
 الكفيع السواك له و في شرحه السبب ايج الظلام و السواك له اى للوضوء فان السواك عند من
 سنن الوضوء و فيه ايضا و اما صفة فهو سنة موكدة و في سنن المهدي ناقل عن صلوة المسعودي
 بل السواك سنة الوضوء ام سنة بآية قبل هو سنة الوضوء و في الهداية و السواك لانه عليه السلام كان
 يواظب عليه و في حلية الباجي السواك اى استعماله لان السواك و السواك اسم للتجشئة المرة الثانية
 و انما ليس استعماله لانه عليه السلام كان يواظب عليه و في الاحتيا التحليل الخ و السواك له صلى الله عليه وسلم

داود انكاره انه كرهه
 و اكثر علما

واطلب علیه و قال او صالی غلیل جبریل بالسواک و فی شرح النووی علی الصحیح لم یسم ان السواک
 سنته لعین موجب فی حال من الاحوال لانی الصلوٰۃ و لانی غیر بابا جماع من یعتقد بہ فی الاجماع و بحجت
 ابن مدعا و حدیث ست اول حدیثی ست کہ روایت کردند از بخاری و مسلم از ابی ہریرہ قال قال
 رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم لولا ان اشیق علی امتی لامرتم بتأخیر الغشاء و بالسواک عند کل صلوٰۃ یعنی
 فرمود رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم اگر نمی بودم آنکہ در شقت اندازم من است خود را ہر آئینہ واجب
 کردم بر ایشان تاخیر کردن عشاء را و واجب میکردم سواک کردن را بنزد ہر نماز و درینجا حدیثیست
 ظاہر لور و کہ این تقریب غیر تام است چہ مقصود سواک نزدیک وضو است و از احتیاج آن بدین
 گونه است کہ مراد از صلوٰۃ اینجا وضو است بدلیل آن کہ روایت کرد مالک رحمہ اللہ و نسائی و صحیح کرد
 از ابن خزیمہ و حاکم و گفت حاکم کہ صحیح الاسناد است و بخاری روایت کرد بطریق تعلیق در
 کتاب الصوم از ابی ہریرہ عن رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم قال لولا ان اشیق علی امتی لامرتم
 بالسواک مع کل وضو یعنی فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم اگر نہ آنکہ سختی می کردم بر امت خود
 ہر آئینہ امر میکردم آنہا را بسواک کردن باہر وضو و در روایت ابن خزیمہ و حاکم و بخاری الفاظ
 عند کل وضو است و در روایت احمد و غیر الفاظ عند کل بطور است و درین حجت نظر است
 بدین گونه کہ بخاری حدیث بدیلی دیگر بودن سواک در وضو یافتہ نمی شود و منتہای دلالت این
 حدیث بر مذمت چہ در مذمت قبح فعل احیاناً کفایت کند و سنت بدون مواظبت بیایہ اثبات
 نمی رسد و ازین حدیث مواظبت لازم نمی آید فی فتح القدیر و لا دلالت فی شیء علی کونہ فی الوضو
 الا ہذہ و غایۃ ما یفید الذنب و ہو لا یستلزم سوی الاستحباب و یکفیانہ اندب بتی ان تعیدہ
 احیاناً و لا سنیتہ دون المواظبۃ و ہی لیت بلازمۃ من ذلک و در جواب این نظر چنین میتوان
 گفت کہ بعد از وجوب مرتبہ سنیت مؤکدہ است پس ہر گاہ کہ بسبب مانعی این مشقت جمیع

ووجب من دفعه شمس سنت مکرره باقی خواهد ماند که انی غنیة استیسی شح منیة المصلی دوم است
 است که روایت کرده شده است از آنحضرت صلی الله علیه و سلم بدین مضمون که موأظبت بسواک
 می فرمودند و در اینجا نیز خارخار شده و پامی خاطری خلد و آن این است که موأظبت آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم بر فعلی دلیل و وجوب است پس این حدیث دلیل سنیت چگونه خواهد شد از ناخن فکر این خارخار شده
 را به نیکو نه برمی توان آورد که موأظبت بدون ترک البته دلیل و وجوب و اما مع التکرار مرة او متین
 دلیل سنیت است و اینجا موأظبت با ترک مروی شده چنانچه حدیث اعرابی دال بر آنست چه در تعلیم
 و مضمونی او تعلیم سواک منقول نگردیده و چنین موأظبت دلیل سنیت است و درین حجت هم نظرت
 به نیکو شود که در اصل موأظبت کلامی نیست بلکه کلام در موأظبت نزدیک و ضو است و موأظبت بدین
 صفت ازین روایت لازم نمی آید چه این روایت دال بر مطلق موأظبت است فی البنا یا شرح الهدایة
 لانه علیه السلام کان یوأظب علیه شواشی لان النبی صلی الله علیه و سلم کان یوأظب علی استعمال
 السواک و العجب من المصنف رحمه الله انه ذکر ان استعمال السواک سنة ثم اخرج علی
 ذلك یوأظبة النبی صلی الله علیه و سلم مع هذا لم یذكر شیئا من الاحادیث الدالة
 علی الموأظبة و قد علم ان موأظبة النبی صلی الله علیه و سلم علی فعل شیء دلیل
 علی الوجوب و قد اعترض عنه الشراح بان الموأظبة مع التکرار دلیل السنة و بدونه
 دلیل الوجوب و قد دل علی ترک حدیث الاعرابی لانه لم یقل میسه تعلیم السواک فلو
 کان واجبا لعلک و ازین نظر جوابی میتوان گفت بدین طریق که موأظبت نزدیک و مضمون هم
 از حدیث عائشة رضی الله عنها که در سلم مروی است ثابت می شود و حدیث مذکور است
 که آنحضرت رسول الله صلی الله علیه و سلم سواکه و طهوره غلبه الله راشا ان منیة فیتسواک
 و یتوضا و یصلی یعنی عائشة رضی الله عنها می گوید که بودیم ماکه عیاشی کردیم برای رسول خدا

صلی الله علیه وسلم سواک اود آب وضوی او پس برمی آید بخت از خدای عزوجل
 هرست که میخواست آنکه بر انگیزاند او را پس سواک می فرمود و وضوی می کرد و نماز
 نمی خواند و ازین حدیث صاف می تراود که عادت شریف و موافقت لطیف آنحضرت
 صلی الله علیه وسلم بر سواک نزدیک وضو بود و هر چه از این الاطالوب و درین جواب
 هم نظرست چه بخیل که این عادت شریف در وضوی باشد که هنگام بیداری از خواب می کردند
 در وضوی نماز و الکلام فی الوضوء و للصلوة لا غیره فلا ثبت المدعی فی غیبة المستعمل علی ان و
 مسلم عن عایشة رضی الله عنہا کما نفع لرسول الله صلی الله علیه وسلم سواک و ظهوره
 فبینه الله ما شاء ان یبعثه فیتسوک و یتوضأ ویصلی و لیل علی انه کان ذلک و قد صلی الله
 علیه وسلم الا ان یقال کان ذلک عاده عند القیام من النوم عند کل وضو و
 بعضی دیگر از علما گفته اند که سواک در وضو مستحب است نه سنت مگر در فی المیزان المستطاع
 و من ذلک السواک قد اتفق الایمة الاربعه علی استحبابه و فی شرح المختصر المالکی
 و یتاکد الاستحباب عند التوضؤ و فی غیبة المستعمل و الصغیری و من الادب ان
 بشتاک امی یک اسنانہ بالسواک بالکسر و هو العود الذی یتاک به کالسواک
 و فی الاختیار لتقلیل المختار و قالوا و الاصح انه مستحب و دلیل برین مدعاست
 که سنت آن را گویند که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بر آن موافقت
 فرموده باشند و در یک بار یاد و بار و چنین موافقت آنحضرت صلی الله
 علیه وسلم بر سواک در وضو پایا به ثبوت نرسیده فی فتح القدر
 المطلوب موجب عند الوضوء و لم یسلم حدیثا صریحا و در اک
 چهارم در بیان آنکه سواک در وضو قبل از وضو است

در این مقام در بیان آنکه سواک در وضو مستحب است
 یا در این مقام در بیان آنکه سواک در وضو مستحب است

يا درميان وضوء هنگام مضمضة يعني علمای گویند که سنیت سواک پیش از
 وضوءست فی غنیة المستمل والصغیری قال فی الکفایة اما وقتہ یعنی فی الوضوء فکثر فی الکفایة
 البسیطة والوسیلة والشفا ان السواک قبل الوضوء فی اعادة الفتح وقال غیر ہم
 قبل الوضوء وفي شرح المختصر الیاس فعند بعض المشایخ یستاک فیوضنا وفي شرح
 مواهب الرحمن لعبد اللطیف وفي البدائع والمجتبی انه قبل الوضوء وفي فتاوی
 مجمع البرکات واختلف المشایخ فی محلی قبل الوضوء وفي المرقاة وفي افرواد البنا
 عن ابن الوضوء ایاها الی ان السواک لم یس من اجزاء الوضوء المستقلة فی اشارة الی
 جواز تقدیم السواک علی الوضوء ولیس یجب ان یکون محلی قبل المضمضة واكثر علما
 میگویند که سنیت سواک وقت مضمضة است چرا که درین تکبیر نقا و طهارت است
 تا اینکه اگر پیش از مضمضة سواک کند کفایت از سنیت در سواک ندارد و اعادة
 سواک هنگام مضمضة می باید چه سنیت آن در عین مضمضة تعیین است فی العالمیة ثم وقت
 الاستیاک هو وقت المضمضة کذا فی البنایة وفي جامع الرموز فیتاک حاله المضمضة
 کذا فی البنایة وفي اعادة الفتح ووقتہ عند المضمضة علی قول اکثر وفي غنیة المستمل
 والصغیری وفي مبسوط شیخ الاسلام ومن السنة حاله المضمضة ان یستاک
 وفي المرقاة وان یکون حال المضمضة علیه الاکثرون وفي غنیة المستمل والصغیری
 وفي تحفة الفقهاء اذ الفقهاء السنة حاله المضمضة تکبیرا لا افتقار فی کفایة ابی مسلم ان
 قدم السواک علی المضمضة لا یجوز عن السنة لانه فی حاله المضمضة وفي سراج المظالم
 واما وقتہ فعند المضمضة وفي شرح الیاس علی المختصر وعند بعض یستاک حال المضمضة
 وفي المعدن و استعمال السواک حاله المضمضة سنة وفي حاشیة الطحطاوی

علی الدر المختار قوله عند المضمضة هو قول الأكثر وهو الاوّلی لانه اكمل للانقاء وفي شرح
 بعضه للطيف بن جمال علی مواهب الرحمن فی زیب ابی حنیفه عثمان وختلف فی وقت
 فقی النهاية وفتح القدير انه عند المضمضة وفي فتاوی مجمع البرکات ناقلا عن البرجی
 وقيل عند المضمضة علیه اکثر من ادراک شخم ودر بیان مقدار سواک
 باید دانست که مستحب آنست که طول مسواک مقدار یک بالشت مرد و وسطبری آن مقدار
 انگشت خنصر انسان بلا گره از چوب و زخمان تلخ باشد و مسواک را از یک بالشت در آن
 کنند که شیطان بران می نشیند و مراد از شستن شیطان آنست که فراموشی بگرداند
 و استعمال کردن مسواک را یامی اندازد و سوسه در دل مسواک کننده خفنی نماید که
 بعضی فقها شبر و خنصر مسواک کننده معتبرست و نزد بعضی شبر و خنصر میان که نه زیاد
 و نه زیاده لاغر باشد معتبرست فی الدر المختار و کونه یقینا مستویا بلا عقد فی غلط خنصر
 شبر و قیه ایضا و لایزاد علی شبر و الا فالشیطان یرکب علیه فی حاشیه الخطا و
 الدر المختار قوله فالشیطان یرکب علیه لعل المراد من ذلک انه یسبیه استعماله
 پس نویسنده فی شرح عمر بن محمد اسامی علی منظومه عثمان و یثبتي ان یحسب السواک
 فی غلط الاصبع و طول الشبر من اشجار مرة و فی مجمع البرکات و یثبتي ان یحسب
 یجر مر فی غلط الاصبع و طول الشبر و فی حاشیه الخطا و علی الدر المختار و قوله
 غلط خنصر ای ندب کونه فی غلط خنصر و بل المراد خنصر استعمال و الخنصر الوسط لانه
 من فیک جدا و لا غلیظ جدا و کذا یقال نحوه فی الشبر و چون مسواک چهار انگشت
 پس مکروه است استعمال او و منرا و او را آنست که و فن کند آنرا در زمین طاهر
 یا فی خلاصه الاحکام و شافعیه جائز داشته اند استعمال مسواک کوتاه از یک بالشت

اگر شخم در بیان مقدار سواک

و عبارت مختصر ایما بیان معنی میکند فی جامع الرموز و فیه دلالت علی انه بجزران بکون قضه
 من شبر کما صرح به فی کتب الشافعی و ادراک ششم در بیان کیفیت سواک
 و این ادراک یعنی بر چند تحقیقات است تحقیق اول اینکه اکثر علما گفته اند که منرا و ارات است
 که سواک کند از عرض دندان و طول دندان تا که زخمی نکند گوشت دندان و ضرر زیاده
 باشد فی البحر و یستاک عرض الاطوالا لانه یخرج لحم اللسان و فی امداد الفتح و ان یستاک
 عرض الاطوالا لانه یضر لحم اللسان و علیه الا اکثر و فی غنیة المستمل و الصغیری و یستاک
 عرض الاطوالا ای مع عرض اللسان الذی هو طول القم لا العکس خشية الحاق الضرر بالثة
 و فی المسراج الوبایع و یستاک عرض سنان و هو طول القم و فی حاشیة الطحطاوی علی الدر المختار
 و یستاک عرض الاطوالا لانه یخرج لحم اللسان و نزدیک اصحاب شافعی سواک امام الحرمین نیز
 مستحبست که سواک در عرض دندان کند نه طول آن پس اگر خلالت آن کرد و کفایت از
 سواک نخواهد کرد مگر بکراهت و همین کراهت طولی را ملا علی قاری از علما حنفیه در مقایسه
 اختیار کرده است فی شرح النووی علی صحیح مسلم و یستحب ان یستاک عرضا
 و لا یستاک طولاً لئلا یدمی لحم سنان فان خالف و استاک طولاً حصل السواک مع
 الکراهة و فی البیانیه و قال غیره من اصحاب یستاک عرض الاطوالا و نزدیک بعض علما
 که بمجمله آنها فتوی است منرا و ارات است که سواک کند در عرض طول هر دو و اگر
 اقتضای کندی بر یکی پس عرض ولی است و همین است مذہب امام الحرمین از اصحاب
 شافعی فی البرجندی یعنی ان یستاک طولاً و عرضاً فان اقتصر علی احد هما قصر صلاً
 و فی امداد الفتح و قال الفتوری یستاک طولاً و عرضاً و فی البحر الرائق و قال الفتوری
 یستاک طولاً و عرضاً و الا اکثر علی الاول و فی بعض حواشی شرح الوفاة یستاک

ادراک ششم در بیان کیفیت سواک

كيف شار سواك كان طول الاوعضا وكذا في تهذيب الصلوة وفي البناية شرح الهداية مثال
 امام الحرمين من اصحاب الشافعي يز السواك على طول اللسان وعرضا فان اقتصر على واحد
 فالعرض اولى وتز بعض علماء مثل غزنوي انست كه طول السواك كنده عرضا في حاشية
 الطحاوي وعلى الدر المختار وعن الغزنوي يترك طول الاوعضا والاكثر من على الاول تحقيق
 ثاني وبيان بديت مسواك واين تحقيق مثل برود قول مست قول اول انكته توارث
 كه شروع كرده شود ورسواك كردن اولاً از جانب ايمن بالازدندان پستريست
 بعد از ان ايسر بالاسن بعد ان ايسر اسفل باب تازه غير آب مضمضة همچنين بار دوم
 وبار سوم كن پس بالاي زبان و كام و طرف دمان بكند پس اين جمله سيزده تحريكات
 در مسواك كردن ميشوند في جامع الرموز والمراد امر السواك على ظاهر عرض السن
 الايمن الا على ثم الاسفل ثم بالايسر كذا ك ثم على وجه اللسان وكذا في تهذيب الصلوة
 وقول دوم انكته شروع كرده شود از جانب ايمن بالا پستريست از جانب ايسر بالا پستريست
 ايمن زيرين پستريست از جانب ايسر زيرين كذا في غنية المستعمل والصغيري شرح
 منية المصلي مفتاح الصلوة وفي الدر المختار واقايت ثلث في الاعالي وثلث في الاسفل
 بمياه ثلثة وفي حاشيته للطحاوي قوله ثلث في الاعالي اي من فيه اليمين والاشم
 وجه اليسار قوله ثلث في الاسفل من وجه اليمين والاشم اليسار كذا في البحر عن شرح
 منية المصلي قوله بمياه هذه غير مياه المضمضة بالخيال مسواك ثلاثا لان المضمضة في الكلام
 عليها في قوله غسل ثم وفي المرقاة ناقلا عن ابن الهمام يستحب السواك ان يكون ثلاثا
 بثلث مياه وايضا فيها ويستحب ان يبدأ بالجانب الايمن من فم عرضا وفي البحر
 ان يترك على اللسان واسفلها والحكمث يبدأ من الجانب الايمن واقايت في الاما

وثالث في الاسفل ثلث مياه وفي الزاد ويكون في الاستياك ثلث عشر تحريكاً ثلث
 في اليمين الاعلى وثلث في اليمين الاسفل وهكذا في اليمين واحد في طرف الفم وحمل
 راس السواك الى حنكه وفي شحج المسلم للنودى ويستحب ان يمر السواك ايضا على طرف
 اسنانه وكراسى اذنه اسنه وسقف حلقه امرار الطيفا ويستحب ان يبدأ في سواكه بالبحا
 اليمين من فيه بايد دانست كه گفته در سه بار سواك كردن انست كه تثليث وترست
 و خدا و تر را دوست ميدارد و كذا في صلوة الطيبين و بعضى ميگويند كه در سواك عجين
 نيست بلكه سواك كن تا آتران كه بزوال نكست و زردى دندان اطينان قلبه
 حاصل آيد في الدنيا لا تقير في سواك يستاك الى ان طين قلبه بزر و ان گفته و صغير
 محقق نماز كه در حالت سواك كردن ظاهر و باطن و اطراف و دندان بهاله كذا في غنية
 و اصغري بايد دانست كه سزاوارتست كه سواك نرم معتدل بگردد باشد زير انگشت
 سواك آسان تر در استعمال است و مراد از نرمى نرمى تمام سواك نسبت بل آن موضع
 كه بزنگام سواك كردن در دهن داخل شود في الدرر و كونه لبنا مستويا اى معتدلاً با عقده
 و في حاشية الخطا و قوله مستويا اى معتدلاً قوله بلا عقده لانه سهل في الاستعمال في فتح
 و ان يكون السواك لبنا و في حاشية الخطا و على الدرر قوله و كونه لبنا المراد به الحمل لانه
 يدخل في الفم لا كانه تحقيق سوم در كيفيات ممنوعة گرفتن سواك و اين تحقيق مشتمل است
 بر چند فوائد فائده اول آنكه ترك نكند وضع مسنون كه اين مورد با سوره شحج الدرر
 و لا يقبضه فانه مورد الباسور و في البحر الرائق و لا يقبض القبضة على السواك فان ذلك
 مورد الباسور و كذا في تهذيب الصلوة و في حاشية الخطا و على الدرر المختار
 قوله و لا يقبضه اى بيده بان ترك لبنا المستوتة في مسكه فائده دوم آنكه سواك نكند

از هر دو طرف مسواک چو که این مورث کوری است فی جامع الرموز و لایستاک بطریق
 المسواک فانه یورث العمی فانه سوم آنکه سزاوار آنست که تکمیل مسواک را که این مورث
 کوری و نسیان است فی الدرر و لایمضه فانه یورث العمی و بکذا فی جامع الرموز و تهذیب
 الصلوة و فی خلاصه الاحکام و لایمضه المسواک بالاسنان لانه یورث النسیان
 ادراک هفتم در بیان طریق گرفتن مسواک بدانکه در گرفتن مسواک
 سنت آنست که گیر و آنرا در دست راست چو که این کار از کارهای طهارت است
 اگر چه قیاس مقتضی گرفتن در دست چپست چه درین از الله قدوسست و در دست راست
 طریق گرفتن نیست که انگشت خنصر زیر مسواک و انگشت نزدیک مسواک انگشت
 وسطی و بنصبه بالای مسواک باشد و همچنین آمده است از عبد العزیز بن مسعود رضی الله عنه
 فی اعداد الفلاح و یستحب مسا که بالید الیمنی و استنه فی کیفیت اخذ ان تجعل الخنصر
 یمینک من سفلی السواک و البنصر و الوسطی و السبابة فوقه و اجعل الابهام من سفلی السواک
 و فی جامع الرموز بعد ما یجعل الابهام الیمنی و خنصره تحت السواک و البواقی فوقه فی حاشیه
 الدر المختار للطحطاوی و نقله عن النهر و یدب مسا که یمینا بان یجعل الخنصر اسفله و الابهام من
 راسه و باقی الاصابع فوقه و کذا جاعل عن ابن مسعود رضی الله عنه لانه من اعمال طهاره
 و قیاس ان فیہ از الله الاذی ان یکون بالیسری و بعضی علماء غیر اصحاب بی حنفیه و غیره
 بسوی گرفتن مسواک بدست چپ رفته اند کذا فی حاشیه الطحطاوی علی الدرر و فاکلین
 ادراک هشتم در بیان شستن مسواک سنت آنست که اول بشوید
 مسواک را اگر خشک باشد پس مسواک کند و همچنین در انشای مسواک کردن نیز بشوید
 و همچنین بعد فراغ قبل نهادن آن پستروین بشوید فی غیثه استملی و الصغیری

مسواک کردن با این روش است

مسواک کردن با این روش است

و یسل السواک ان کان یابساً و یغسله عند الاستیباک و عند الفراغ منه و فی المرقاة
 قال ابن حجر و یؤخذ منه ان یغسل السواک فی السواک و بعد و قبل وضعه سنة و فی سنن
 ثم یغسل فیه بعده و صاحب بن ابیه شاح به ایه مائل بعد م سنین شستن سواک شستن
 کما فی شرحه علی الهدایة باید دانست که حکمت و شستن سواک قبل از سواک کردن است
 که نرم شود و دندان را از خمی نکند و نرم کردن سواک بآب بن بست یا بآب طاهر
 علیحدہ کذا فی منهاج العباد و حکمت و شستن بعد سواک کردن برای آنست که شایطان
 بآن سواک نکند فی جامع الرموز و اذا استنیک یغسل و الا فاشیطان یستاک به کذا فی
 الدر المختار پوشیده نماند که حکم بست حل کردن استنیاک شایطان بر معنی حقیقی آن چه محل نم
 نجیث است فی حاشیة الطحاوی علی الدر المختار قوله و الا فاستاک الشیطان به المانع
 من حمله علی الحقیقة ای و موضع الفم نجیث و در آن نرم در اوضاع مکر و به سواک
 و آن چند اند از آنجمله سواک کردن در حالت خضطیج یا چوبین مورث و رازی طحال است
 فی امداد الفتح و بکراهه الاستیباک مضطجعاً فانه یورث کبر الطحال فی البحر الرائق و بکراهه الاستیباک
 مضطجعاً فانه یورث کبر الطحال کذا فی اشراج الوریح و کذا فی مفتاح الجنان و از آنجمله سواک
 ثرون است در حالت قیام که موجب درد را نوست کذا فی مفتاح الجنان و از آنجمله سواک
 کردن است در حالت مشی که باعث درد پشت است کذا فی مفتاح الجنان و در آن سواک
 و بر بیان جاما نیکه سواک در آنها مکر و به است از آنجمله سواک
 ثرون در محافل نزدیک بر آمدن آب از حلق و درین خصوصاً و بروی علماء و بزرگا
 لذا فی اشخه اللغات و از آنجمله سواک کردن در حمام که از آن پوی و بهین میباشد
 لذا فی اشراق الدرجات نقلاً عن فوائد فیروزشاهی و کذا فی مفتاح الجنان و از آنجمله

اولک نمود و وضع مکر و به سواک

اولک نمود و وضع مکر و به سواک

مسواک کردن در مسجد و فتنه گمان افتادن نف و مثل آن در آن باشد فی المرقا لا یسج
 المسجد اذا خشی نظایر شی من الیوق او نحوه و از آنجمله است مسواک کردن در فرجه چنان
 نزد خدا می بخوش میشود کذا فی مفتاح الجنان آدراک یا نه و بهم در بیان
 اشبی المستحب مسواک بدانکه جائز است مسواک ساختن از هر چوبیکه باشد لیکن مستحب است
 که مسواک از چوب درخت تلخ تر باشد چه اگر این چوبها خوش می کنند بوی دهن را قوت میدهند
 معده را و خست میکنند دندان را علی الخصوص چوب درخت پیلو که این افضل قاطع بغم
 و صاف کننده دهنه و گوارنده طعام است پسته بعد چوب یک چوب درخت زیتون
 مستحب و در بیان مسواک زیتون حدیثی هم آمده است کذا فی حاشیه الدر المختار
 اللطیف و ی نقل عن الطبرانی نعم السواک الزیتون من شجرة مبارکة و هو سواکی و هو الکمال
 من قبلی یعنی چه خوش مسواک است زیتون از درخت برکت داده شده و این مسواک من
 انبیای پیشین من است و در اشعة المعانی است که در باب مسواک پیلو چند احادیث آمده است
 فی الصغری و قالوا و یستاک بكل عود و فی العالم کثیر یمنیغی ان یکون السواک من شجرة
 مرة لانه یطیب الفم و یشد الاسنان و یقوی المعدة و یشد الفم و یشد الاسنان و یقوی المعدة و یشد الفم
 و یمنیغی ان یکون السواک لینا فی غلظ الاصبع طول شبر مستویا قلیل الحقد من الاشجار المعروفة
 و هو الاراک لیکون اقطع للبصر و انقی للصدر و اهنی للطعام و فی غنیة المستملح الصغری
 ثم المستحب ان یکون من شجرة مرة لزيادة اثره تغیر الفم و فیها ایضا و افضل الاراک ثم الزیتون
 و فی جامع الرموز و اصله من الزیتون فان منه سواک الانبیاء کما فی الینایج و فی المرقا
 قال السنوی و یحب ان یتاک بعد من اراک فی شرج المسلم السنوی و المستحب ان یتاک
 بعد و متوسط لاشد ید الیس لیخرج ولا یطرب لایزول فی غیر مستحب است مسواک از چوب خوش

در آنکه در بیان آنکه در بیان آنکه

و ثبوت و اصل شوک فی جامع الرموز و من خج شب الخوخ ادا التوت ادا اصل الشوک کما فی صلوة
 المسحور و ادراک دو از دهم در بیان اشجار مکر و همه و محرمة سواک بدانکه مکرده
 تحریریست مسواک سختن از چوب موز و انار و فی و حرامست از شئی که زهر دارد و خواص
 چوب باشد یا غیر آن فی الدر المختار و بکره بموز و فی حاشیة الطحاوی ای تحریر اللاطلاق
 و فیها ایضا بموز ای کالقصص الفارسی و فی غنیة المستمل و الصغیری و یساک بکل عود الا ان
 و انقصب الدر یحرم بنی سیم و فی حاشیة الطحاوی من خشب غیره و ادراک
 سیم و دهم در بیان موضع نهادن مسواک باید دانست که نهادن از دو جای
 خالی نیست یا بر بدن انسان یا غیر آن لهذا این ادراک مستحکم و فائده شد فائده اول
 سنت آنست که بپند مسواک را بر گوش خود و موضع نهادن قلم کاتب و حکمت در نهادن
 این موضع آنست که گرفتنش آسان می شود و بصاحب مسواک یاد میداند و آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم مسواک خود جای نهادن قلم کاتب بر گوش می نهادند و همچنین اصحاب
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم نیز می نهادند و نیز در پیچ عامه نهادن سنت است چنانچه بعضی
 صحابه در طی عامه خود می نهادند فی جامع الرموز و موضع سواکه صلی الله علیه و سلم می نهادند
 موضع القلم من اذن الکاتب اسوکه اصحابه خلف اذانهم کما قال الحکیم الترمذی و فی
 المرقاة قال ابن حجر و حکمت فی وضعه ذلک الموضع لیسهل تناوله و یدکر صاحبیه به فیسر
 و فی جامع الرموز و کان بعضهم یضع فی طی عامته فائده دوم سنن او را آنست که نه بپند مسواک
 عرضا که این مورد جنون است بلکه انتصاب کن آنرا به اعتماد چیزی و استاده کن جامع الرموز
 و لا یضع عرضا بل یغضب الا فطر الجنون و فی الدر المختار و لا یضع بل یغضب و الا فطر الجنون
 و فی حاشیة الدر المختار للطحاوی قوله بل یغضب بان یسند و معتد الی شئی و فیه

ادراک دوم در بیان اشجار مکر و همه و محرمة سواک

ادراک سیم در بیان موضع نهادن مسواک

ایضا الخطر کما فی اقاموس الشرف والسبق والاداء التانی ای یبقه الجنون لهذا الفعل ویا
 الیه آدراک چهار و دهم در بیان جواز ترک سواک بعد از باید دانست
 که منرا و از نیست که ترک کند سواک را بحالتی که در حالت غدر که ترک آن در بصورت جائز
 و غدر ترک سواک نیست که بتدریج در کردن سواک فی العالمگیریه من خشی من السواک
 تحریک القی ترکه فی البحر الرائق و من خشی من السواک القی ترکه ادراک پانز و دهم در بیان
 چیزیکه قائم مقام سواک میشود نزدیک غدر به آنکه جائز نیست ترک
 سواک مگر بعد از آن موجود نبودن سواک یا نبودن دندان یا ضرر رسیدن در دهن
 از سواک کنانی امداد الفتح و چیز بانیکه قائم مقام سواک میشود چند چیز است از آنجمله انگشت
 که قائم مقام سواک میشود هنگام موجود نبودن سواک ثواب سواک بدان حاصل میشود
 و اگر سواک موجود باشد در بصورت انگشت قائم مقام سواک نمی تواند شد و ثواب سواک
 نیز حاصل نخواهد شد فی الکافی و لایقوم الاصبغ مقام الخشبة حال وجود یافان لم توجد
 یقوم مقامها لانه علیه السلام فعل کذا فی الخلاصة ینال بالاصبغ ثواب السواک فی
 حاشیة الطحاوی علی الدر المختار قوله مقامه ای فی تحصیل الثواب کما فی المنه و غیره
 و فی غنیة المستمل والصغیری و لایقوم الاصبغ مقام السواک عند وجوده و انگشتی که قائم
 مقام سواک می شود انگشت شهادت و انگشت نردست رست برای جانب
 چپ انگشت شهادت و انگشت نردست چپ رست برای جانب رست فی العالمگیریه
 و لایقوم الاصبغ مقام الخشبة فان لم توجد الخشبة فیم یقوم الاصبغ من بینه مقام الخشبة
 کذا فی المحیط و الطیبه و فی حاشیة الطحاوی علی الدر المختار و الاصبغ فی الهندیه یقید لانت
 بایمنی و هذا انما یظهر من جهة الیسری فقط و کذا قال فی البحر و الافضل ان یمید بالسبابة الیسری

در این باب
 در بیان جواز
 ترک سواک
 در بیان
 قائم مقام
 سواک
 در بیان
 ثواب سواک

ثم یأیئنی آوای لان البسری بجمه البیئنی والبیئنی بجمه البسری وفي السراج الوکروج فان کلمه
استعمل خرقة شفته واصبغه السباکین یمنه وولیل برین بعد عاخذ احادیث اندکه در کتب
احادیث بطرق متعدد و مروی اند اول آنکه در فتح القدر و مرقات بروایت سیفی از ابن

رضی الله عنه منقول است قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم یخبرنی من السواک الا صابغ
یعنی کفایت میکند از سواک انگشته و درین حدیث کلامی کرده شده که زانی الکتابین المذکورین
و دوم آنکه در اعداد الفتح و شرح مختصر از شمنی و قاری بروایت طبرانی از عایشه صدیقہ

رضی الله تعالی عنہا روایت است قالت قلت یا رسول الله الرجل یندب فیه یتاک

قال نعم قلت کیف یصنع قال یدخل اصبعه فی فیه یعنی گفت ام المؤمنین عایشه صدیقہ رضی

عنہا که گفت من یا رسول الله مروی که برود و برین او یعنی دندان و یا گوشت و برین

فی غنیه استعملی آیا او سواک کند فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم آری گفت چگونه کند فرمود

داخل کند انگشت خود در برین خود و سوم آنکه در اعداد الفتح و هر دو شرح مذکور از علی

رضی الله عنه روایت است قال التثویص بالصبغ الابهام سواک یعنی شستن و پاکیزه

کردن دهن از انگشت شهادت و ابهام سواک است چهارم آنکه در بنیاد سیفی روایت

قال یا رسول الله رغبت فی السواک قبل دون ذلک من شیء قال صبیحک سواک عند

و غروبک یعنی راوی گفت یا رسول الله رغبت و آدمی باراد بر سواک کردن پس آبا سواک

ازین چیزی است فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم انگشت تو سواک تست نزدیک وضوئی

بیختم آنکه در هدایه روایت است انه علیه السلام فعل کذلک یعنی کرده است آنحضرت علیه السلام

همچنین در برین حجت سواکی است که صاحب بنیاد شرح هدایه گفته که زبانی وار کرده است

که ثابت نشده است درین باب لکن آنحضرت صلی الله علیه وسلم و آنچه پایت ثبوت سید

قول آنحضرت صلی الله علیه وسلم است چنانچه از احادیث سابقه نمیمانی باین ظهور میرسد
و جواب ادبنا بر تحقیق صاحبینا اینست که سوک از انگشت از فعل آنحضرت صلی الله علیه
وسلم نیز ثابت شده است چنانچه در سنن احمد از علی رضی الله عنه روایت شده است
انه دعا بکون من مارقا فصل وجهه و کفیه ثلاثا و مضمض فادخل بعض اصابعه فی فیه بحديث قال
فی آخره وهو وضوء رسول الله صلی الله علیه وسلم یعنی طلب کرد علی رضی الله عنه کوزه از آب
پس شست روی خود و هر دو کتف خود سه بار و مضمضه کرد پس داخل کرد در گوش انگشتان
خود در دهن خویش تا آخر حدیث و فرمود در آخر وضوء این وضوء رسول الله صلی الله علیه
وسلم است از این تشبیهات می تراود که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بجای سوک داخل
انگشتان فرموده اما حکم انگشت نزد اصحاب شافعی پس اگر نرم باشد کفایت نمیکند از سوک
و اگر سخت باشد پس برین سه قول است اول اجزاء و این قول مشهور است و دوم عدم اجزاء
سوم اجزاء در صورت موجود نبودن غیر و عدم اجزاء در صورت موجود بودن غیر

فی شرح مسلم للنووی و اما الاصح فان كانت لیته لم يحصل بها السوک وان كانت
مختصة ففیها ثلاثه و وجه الاصح بان المشهور لا یجوزی والثانی یجوزی والثالث یجوزی ان لم
غیر ما لا یجوزی ان وجد و تریک بعض شافعیه انگشت غیر قائم مقام سوک میشود و اصح
مستاک قائم مقام آن نمی تواند شد و نیست این مذہب مگر حکم بحت فی غیثه استغنی و تجوز
بعض الشافعیه اصح غیر دون اصح نفسه حکم بلا دلیل و از انجمله پارچه سخت است که آن
نیز قائم مقام سوک می شود فی الذی المختار و عند فقهه و فقه استانه لقوم الخرقه انخسنة و الا
مقامه و از انجمله است عکک و صمغ و هر چیزیکه لزوج باشد و فنیکه بافته شود و نیست پس قائم
مقام می شود بلکه در حق زنان مستحب استعمال عکک با وجود قدرت آنها بر سوک

بسبب رفت بشو آنها و برای آنکه موجب و مداومت بر مسواک ضعیف میکند و ندان آنها را
 بلکه بخوف سقوط دندان می باشد و عکس دندان و لثه آنها را سخت و مستحکم میکنند فی الجمله
 یقوم مقامه للمرأة لکون الموطئة علیه تضعف اسنانها فیسحب لها فعله و فی صلوة المسحود
 لا يجوز للمرأة ان یستاک و العکس قائم مقام استیاکس و کذا فی الشرح الفارسی بشرح الوقایة
 و فی امداد الفتح و یقوم العکس مقام النساء لثه بشو تن و فی الدر المختار کما یقوم العکس مقامه
 للمرأة مع القدرة علیه و فی المحيط العکس للمرأة یقوم مقام السواک لانها تخاف منه سقوط
 اسنانها لانها ضعیفة و العکس یمسک الانسان و لثه اللثة و فی حاشیة الطحاوی علی
 الدر المختار و یقامه ای فی الثوب اذا وجدت الثیة و انه یجمله است سعد که نوعی از گیاه است
 و از آنجمله است اشنان که آن هم از اقسام کاه است فی شرح المسلم للنووی و بآی شئی است
 عایز علی التفسیر حاصل السواک کالخرقة الخشبة و السعد و الانسان ادراک شاز و هم
 و بر بیان نیت وقت سواک سزاوار آنست که نیت کند بهنگام مسواک کردن
 بدین مضمون که طاهر کنم زبان خود را برای خواندن قرآن و ذکر و نماز کذا فی صلوة الطحطاوی
 عن احوال علوم الدین و کذا فی مفتاح الجنان ادراک هم و بر بیان و عا
 نزه ویات سواک سزاوار آنست که نزدیک مسواک کردن و عا بنخواند دعائی که
 در بیان دیده شدید و عبارت یافته شد اول آنکه اللهم طهر فی و نور قلبی و طهر لسانی و طهر جسدی
 علی النار و ادخلنی جنتک فی عبادک الصالحین کذا فی البنایه شرح اللمدة و هم آنکه اللهم احبل
 تسوکی هذا فی خلاص النوبی و مر ضاة لک یا سیدی و بعضی بهی کما تمیض به سانی کذا فی
 تهذیب الصلوة ترجمه دعا اول اینست بار خدا یا پاک کن دهن من و روشن کن دل من
 و پاک کن بدن من و پاک گردان جسم من بر آتش و در آرم بر رحمت خود و در بندگان

ادراک و هم و بر بیان وقت سواک

ادراک هم و بر بیان و عا بنخواند دعائی که

نیک خود و ترجمه دعای ثانی این است بار خدا یا بگردان این سواک کردن من پاکیزگی را
 من فری خوشنودی برای تو ای سرور من و روشن کن بدان روی من چنانکه بر پیشانی
 بدان دندان من آرد آک میجد بهم در میان سواک کردن سواک عجم
 باید دانست که جائز است بلا کراهت سواک کردن بمسواک یگری و فقیه رضای او صراحت
 یاد الله یافته شود فی شرح مستفید و لا باس ان یستاک بمسواک الغیر و فی شرح مسلم اللک
 و لا باس به استعمال سواک نخره باذنه و فی المرقاة و فیہ دلیل علی ان استعمال سواک الغیر رضا
 غیر کرده و دلیل بر اثبات این دعا و حدیث است اول حدیثی است که در مشکوٰۃ المصابیح
 بروایت ابو داؤد از حضرت ام المومنین عایشه صدیقہ رضی اللہ تعالیٰ عنہا مروی شده
 قالت کان النبی صلی اللہ علیہ وسلم یستاک فی طینی السواک لا یغسله فابداً فباتک ثم غمطه
 و ادفعه الیه یعنی گفت عایشه رضی اللہ عنہا که بود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم که مسواک میکرد
 پس میداد مرا مسواک تا بشویم آنرا پس سواک میکردم من آنرا پستری شستم آنرا و میدادم
 آنرا آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم و دم حدیثی است که در مشکوٰۃ المصابیح بروایت بخاری
 از عایشه صدیقہ رضی اللہ عنہا مروی گشته قالت ان من نعم اللہ علی ان رسول اللہ
 صلی اللہ علیہ وسلم توفی فی بیثی و فی یومی و بین یومین و فی و ان اللہ جمع بین یرقی و یرقی
 عند موتہ دخل علی عبد الرحمن بن ابی بکر و بیده السواک انا مسنده رسول اللہ
 اللہ علیہ وسلم فرأیتہ یقطر الیه و عرفت انه یحب السواک فقلت آخذہ لک فاشا برأیہ
 ثم قمتا و لفتنا قد علیہ و قلت الیئسہ لک فاشا برأیہ ان نعم فلیتہ فامرہ و بین یدیه
 رکوة فیہا نار فجعل یدخل یدیه فی الماء فمسح بہا و وجهہ و یقول لا اله الا اللہ ان الموت
 سکرات ثم نصب یدہ فجعل یقول فی الیق الا علی حتی فیض مالت یدہ یعنی بدرستی که

سواک عجم در میان سواک کردن

عایشه رضی الله عنها بود که میگفت تحقیق از نعمتهای پروردگار بر من نیست که تحقیق رسول
صلی الله علیه وسلم وفات کرد و شد در خانه من و در روز فوت من و در میان سینه من
من و بدرستی که خدای عزوجل جمع کرد آب بن من و آب دهان آنحضرت صلی الله
وسلم نزدیک موت وی علیه السلام بدرستی که در آمد بر من عبد الرحمن پسر ابی بکر و بیت
او سوائی بود و من نگه کننده رسول الله صلی الله علیه وسلم بودم پس دیدم آنحضرت صلی الله
علیه وسلم را که می بیند بسوی مسواک پیش شناختم که آنحضرت صلی الله علیه وسلم دوست
میدارد که مسواک کند پس گفتم که گیرم آن را برای تو پس اشاره بفرمود که آری پس دم آنرا
بحضرت صلی الله علیه وسلم پس سخت آمد مسواک کردن بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفتم
که نرم کنم آنرا برای تو اشاره کرد و بفرمود که آری پس نرم کردم آنرا پس گرفت آنرا پس
بگذراند آنرا بر دندان و در روی آنحضرت صلی الله علیه وسلم کوزه بود که در می آورد
و استهای خود را در آب و می مالید بدان روی خود را و می گفت لا اله الا الله تحقیق
که برای موت بخینه است پس بداشت دست خود را پس شروع کرد و گفتن این کلمه
الافق الاعلی نایبک فیض کرده شد روح مبارکش و بپیدا دست او و در آب
تو زده هم در بیان آنکه مسواک ناسخ فرضیت و ضویر ذیکر نماز است
بدانکه بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم مأمور بوضو کردن نزدیک هر نماز خواهد وضو باشد
یا نباشد پس گاه که دشوار شد آنکاره حضرت صلی الله علیه وسلم موقوف شد فرضیت
وضو مکرر اصدت و امر کرده شد بسواک کردن نزدیک هر نماز بکذا فی شیخ سفر السعاده
ناقله عن احمد و ابی داود و عن عبد الله بن عامر الغیل و در سند داری از عبد الله
بن عمر است قال قلت ارأیت توفض ابن عمر کل صلوٰة طاهر او غیر طاهر عمر ثلاث

و در کوزه بود این کلمه را که نایبک فیض کرده شد روح مبارکش و بپیدا دست او و در آب تو زده هم در بیان آنکه مسواک ناسخ فرضیت و ضویر ذیکر نماز است

قال حدثنا اسما بنت زيد بن خطاب بن عبد الله بن خطاطة بن عامر حدثنا ان رسول
صلى الله عليه وسلم امر بالوضوء لكل صلوة طاهرا او غير طاهر فلا شق ذلك عليه مر بالسواك
لكل صلوة وكان ابن عمر يري ان به على ذلك قوة فكان لا يدع الوضوء لكل صلوة وهكذا
في سنن ابى داود ويني راوى كويد گفت كه خبر ده كه وضو كرد اين عمر رضی الله عنهما برای
هر نماز طاهر باشد یا غیر طاهر تعیم کرد این را گفت كه حدیث كه در اورا اسما بنت زید ابن خطاب
كه به تحقیق عبد الله بن خطاطة بن عامر حدیث كرد مر كه به تحقیق رسول خدا صلى الله عليه
وسلم حكم كرده شد بوضو برای هر نماز طاهر باشد یا غیر طاهر پس هر گاه دشوار گردید این كار برو
حكم كرده شد بر اسواك نزدیک هر نماز و ابو عبد الله بن عمر رضی الله عنهما می دید كه در
برین كار قونی است پس ترك نمیکرد وضو برای هر نماز و در آنگاه بستم و بیان آنچه
در خواب دیده شد درباره مسواك و بیان آنكه مسواك كردن موجب
زیادت علم و باعث فتح غراض است پس درین باب سه حکایت نقل كرده امی شوند
اول حکایت روایى آنحضرت صلى الله عليه وسلم است و آنرا بخاری و مسلم در صحیحین خود
ابن عمر رضی الله عنهما روایت كرده اند ان النبى صلى الله عليه وسلم قال ارانى فی المنام
اتسوك بسواك فجاء فی جلال احدیها اكبر من الآخر فقلت السواك الا صغر منها فقیل لى
كبر ففعلت الى الاكبر منها یعنی به تحقیق نبی صلى الله عليه وسلم فرمود كه می بینم خود را در خواب
كه مسواك میكنم بسواكی پس آن مزد مراد و نس كه كی از آنها بزرگتر است از دیگری پس دوم
مسواكی بخرد و تر از آنها پس گفته شد برای من كه بدو آنرا بزرگتر پس دوم آن را
به بزرگتر از آنها دوم حکایت روایى ابراهیم نخعی آنحضرت صلى الله عليه وسلم است
كه در منقلح الجنان یابن عبارت مذکور است كه خواجه ابراهیم نخعی رحمه الله علیه متعالم

اودا که سبزه قریب آنجا دروید به پند و اندرز ایشان از آنکه امر آنان که در میان ایشان بود که در میان ایشان بود

رصلی اللہ علیہ وسلم در خواب دید از خود بنا لید که با رسول الله پیوسته می شود و با او میفتوانم رفتن
 رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کجائی که خبر نداری از چند چیز اولاً آنکه اندک خوردان لب
 خبث قرآن بسیار خوان و نماز بسیار گزارد برای هر نمازی طهارت سازد مسواک کن
 ابراهیم نخعی گفت چون از خواب بیدار شدم و این وصیت رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم
 بجا آوردم در بیان اندک زمان مقتدای عالیمان شدم سوم حکایت روای عبد الله
 مبارک است و آن نیز در منقلح ابیحان بدین الفاظ منقول است آورده اند کشف الخبايا
 مبارک همه عمر خود را سه قسم کرده بود یکسال حج رفتی و یکسال غزا کردی و یکسال علم
 در کسفتی حکایت می کنند که یکسال بغزا رفتن بود و بر قلعه گبران دست نمی یافت و ران انبیه
 بن خواب رفت رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم را بن خواب دید منتر عالم فرمود که یا عبد الله و چه
 اندیشه گفت با رسول الله بدین قلعه گبران دست نمی یابم رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم
 فرمود کجائی که خبر نداری از طهارت با مسواک عبد الله از خواب در آمد و طهارت با مسواک
 کرد و غازیان را فرمود تا همه طهارت با مسواک کردند آن دیده بانان از بالای قلعه نگاه
 کردند آن حالت را دیدند خدای عزوجل پیوستی در دل ایشان انداخت فرو آمدند و با
 امیر قلعه گفتند که جماعتی آمده اند که آدمی خواران اند دند انبیه می کنند اگر با طفر یا بند و مار
 از نهاد ما بر آید خدای تعالی خونی در دل ایشان انگند قاصدی بیرون فرستادند که از ما
 مال میخواستند یا جان عبد الله مبارک گفت نه مال میخواستیم نه جان از شما آن میخواستیم که اسلام
 آرید همه یکبار اسلام آوردند از بركت اقامت سنت پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم و آن مسواک
 ادراک بست و یکم در اوقات مستحبه مسواک باید داشت که اوقاتیکه در آن
 مسواک کردن مستحب و سنت است بسیار اند بعضی از آنها به نسبت بعضی موه که ترازد و در آن

آن اوقات طولى يخرجها ودين رساله مختصره كنجائش آن ندارد و لهذا حكم الایدرك كالاثير
 كنهه منيخده اوقات اكتفاى وزيم اول وقت وضوء تفصيل اين مقام به بط تمام سابقا
 گذشته مشايخ الاطلاع عليه فايح اليه في سراج انظام السواك له اى للوضوء فان السواك
 عندنا من سنن الوضوء دوم وقت تغيير لوى ودين ودين موكده زست وديوى ودين مسيب
 خواب با بيدارى يا تشنگى يا بخرورن طعام بدو در حال شده باش كذا في اشعة
 اللغات يا تغيير ودين از ترك آشاميدن آيا طول سكوت يا كثرت كلام كيا ساني في كلامه ودين
 في شرح المسلم سوم وقت بيدارى از خواب چهارم وقت در آمدن در خانه پنجم وقت فراغت
 مردمان ششم وقت قراة قرآن هفتم وقت قراة حديث هشتم وقت زروى ودين
 في امداد الفتاح ودين السواك من خصائص الوضوء فانها يستحب في حالات منها تغيير الفم والقيام
 من النوم والى الصلوة ودخول البيت واجتماع الناس في قراة القرآن والسجود والى
 ان السواك من سنن الدين ويستوى فيه الاحوال كلها وقال عليه السلام السواك مطهرة للفم
 ومضادة للرب وفي السراج الوياح وعند قراة القرآن قال صلى الله عليه وسلم طهر واساك
 القرآن وفي فتح القدير يستحب خمسة مواضع اصفرار السن وتغيير الرائحة والقيام عند النوم
 والقيام الى الصلوة وعند الوضوء والاستقرار في غير ما وفيما ذكرنا اول ما يدخل البيت وفي
 شرح المسلم للنودى ولكن في خمسة اوقات اشده استحبابا احدها عند الصلوة سواء كان مطهرا
 بما اذ تراب او غير متطهر من لم يجد ماء ولا ترابا الثاني عند الوضوء والثالث عند قراة القرآن
 والرابع عند الاستيقاظ من النوم الخامس عند تغيير الفم وتغييره يكون با شيار منها ترك الاكل
 والشرب ومنها اكل ماله رائحة كريهة ومنها طول سكوت ومنها كثرت الكلام وفي البناء
 والاستحباب يتأكد فيه عند تغيير الفم ثم وقت آغاز كلام خصوص في ثنية بعد سكوت طويل

اتفاق کلام افتد و بهم وقت قیام به تجدید آن در بهم وقت تغییر بوی پنج دندان دو از در بهم
 از غسل کذا فی منهاج العباد الی المعاد سیزدهم باین شیوه از نماز شب چهاردهم روز جمعه
 پانزدهم پیش از خواب ششازدهم بعد نماز و ترهقه هم وقت سحر کذا فی البنایه شرح الهدایه
 به تجدید هم هنگام قیام بسوی نماز و این استحباب نزدیک شافعیه و بعضی حنفیه رحمهم الله است
 خصوصاً قبل از نماز ظهر و فجر کذا فی شعبة المعانی و فی البنایه و به شرط الوضوء و بیکار طلبه
 عند ارادة الصلوة و عند الوضوء و قراة القرآن و الاستیقاظ من النوم و عند تغییر الفم فی
 المرقاة علی التمام خاتمه نقل عن التتمة و یستحب لسواک عندنا عند کل صلوة و وضوء و کل
 شیء یغیر الفم و عند الیقظة و فی البنایه و عند الشافعی بهیئته للقیام الی الصلوة عند الوضوء
 و عند کل حال یغیر فیه الفم پوشیده نماید که بعضی از شافعی درین باب چنین نقل کرده اند که اگر
 مصلی محدث باشد پس این مسواک کردن از سنن صلوة خواهد بود و کذا فی سراج الاطلاق و نزد
 بعضی حنفیه مسواک نزدیک نماز سنن نیست بل کرده است و برین مدعا و دلیل قائم کرده اند
 اول آنکه روایت نگردیده شد که آنحضرت صلی الله علیه و سلم مسواک کرده باشد هنگام قیام
 نماز کذا فی المرقاة و دوم آنکه بسا اوقات از مسواک کردن برمی آید خون و آن نجس است باجماع
 اگر چه ناقض وضو نیست نزدیک شافعی رحمه الله تعالی و فی البحر الرائق لکن قولهم یستحب الی القیام
 الی الصلوة ینافی ما نقلوه من انه عند الوضوء لا الصلوة لانه ربما خرج منه دم و هم یحبس
 بالاجماع و ان لم یکن ناقضاً عند الشافعی و ثمة خلاف ما بین ما حنفیه و شافعی و برین وضو است
 ظاهر میشود نخستین آنکه چون بخواند چند نماز بیک وضوء که در آن مسواک کرده باشد پس آن
 میکند سنیت مسواک در هر نماز نزدیک ما حنفیه و ادائیگی شود نزدیک شافعی و دومی
 آنکه چون چند نماز بیک وضوء خواند و مسواک کرد در آن وضوء پس هر نماز نزدیک ثواب

و شش نماز که غیر مسواک گذارده شده است می دارد و نزدیک شافعی در یک نمازین نه است
 به بشود و در دیگر نمازها اگر وقتیکه مسواک کند برای هر نماز فی اعداد القامح و السواک من سنن الترمذی
 عندنا لا من سنن لصلوة فیحصل فضیلتی فی کل صلوۃ صلا باو وضو بر استاک فیه من غیر استیک
 عند قیامه لها فی البحر الرائق و قالوا فائدة اختلاف الظاهرین صلی بو وضو بر واحد صلوات کیفیه السواک
 للوضو عندنا وعند الشافعی استاک لکل صلوۃ و فی سراج اطلاق قال شافعی سواک من سنن لصلوة
 و فائدة اختلاف الايضاً لصلوة الظاهر سواک بقی علی وضو الی بعضه مغرب کان سواک الاول سنة
 لکل غنما و عند یسین استاک لکل صلوۃ و فی حاشیة الطحاوی علی الدر قوله هو للوضو عندنا و عند
 للصلوة و غیر الشتره من صلی بو وضو بر واحد صلوات و قد استاک فیه یکون صلوۃ بسببین صلوۃ من
 سواک عندنا و عند الشافعی لا یحصل الا اذا استاک لکل صلوۃ فائدة فی البحر و نزدیک بعض فضیه
 سنت سواک برای نماز وقتی است که هنگام وضو ترا فراموش کند اما اگر فراموش کرده باشد پس آن
 نماز سنت نیست بلکه برای وضو است فی الدر المختار و هو للوضو عندنا الا اذا نسیت ان ترب للصلوة
 سراج اطلاق و اما اذا نسی الظاهر ثم ذکر بعد ذلک انه یستحب له ان استاک حتی یدرک فضیلتی و یکن
 صلاۃ بسواک جماعاً و اذ است و دوم و در بیان فوائد و منافع مسواک است
 که در مسواک فوائد و منافع بسیار اند بعضی تا بمقادیر فائده گفته اند که زمانی آن دو رکعت است
 و اعلائی آن یاد و نیندن کلمه شهادت است وقت موت چنانچه در افیون بمقادیر مضرت است
 که زمانی آن فراموش شدن کلمه شهادت است وقت موت و نزدیک بعضی علماء رحمهم الله
 شش شش منفعت است فی ارفاءه فانها قبل فیه سبعون فائدة و فیها ایضاً و فی الایون سبعون
 مضرة اقلها نسیان الشهادة و فی حاشیة الطحاوی اذا ما اطاعة الاذی و عسله
 تذکیر الشهادة عند الموت زرق الله ذلک بمنه و کرمه و فیها ایضاً قوله و من منافع فی التمر

و صلت منافعه بشت و ثلثین و اینجا حسب ل بعض علماء کربسی و شش فرسخ اند و منافع کفای
می رود اول خوشنودی پروردگار عالم است دوم طهارت دهن است سوم اتباع سنی
مرسلین خصوصاً سنت سیار رسول الله صلی الله علیه و سلم است چهارم نماز یکبار برای آن
گروه شود و نماز یکبار برای آن مسواک نموده شود و عزت و فضیلت دارد و به بقا و درجه و ذکر این
چهار منافع و فوائد و خبر سید البشر نیز آمده است که بسیاری فی الادراک الاتی بختم دور کننده
گناهاست ششم زیاده کننده و در نیکیها به فتنه قاطع صغیر است هفتم سخت کننده لثه است
لذاتی سراج الظلام و البدر التمام نهم شفا از هر مرض است سوای موت و هم یاد دهند بکلمه
شهادت است وقت موت کذا فی الدر المختار یاد و هم دور کننده تغییر بوی دهن و از دهن
دور کننده شیطان سیزدهم نجات دهنده از بقا و دو و بلا چهاردهم خوش کننده ملائکه
لذاتی تهذیب الصلوة پانزدهم دور کننده تغییری که حاصل شده است از سکوت کذا فی المرقا
شانزدهم مورث غناست هفتم هم رو کننده حاجت بپسند هم نفع کننده و در دست
نوزدهم نفع کننده در وثیقه است گنیم نفع کننده در دندان است کذا فی اشراق الیچا
بست و یکم دیر آوند و پیریت بست و دوم شتابی دهنده است در قرن پیر صراط کذا فی
حاشیه الخطاوی علی الدرنا قلا عن ابی اسعد و بست و سوم زیاده کننده حسن و عین
کذا فی مفتاح الجنان بست و چهارم و غریض و غضب آوند و شیطا بست کذا فی
البحر الرائق و سراج الظلام و البدر التمام بست و پنجم قوت دهنده دندان است بست و ششم
دور کننده زردی دندان است کذا فی الصغیری و تهذیب الصلوة بست و هفتم دور
کننده بلغم است بست و هشتم قوت دهنده معده است کذا فی سراج الظلام
و البدر التمام و تهذیب الصلوة بست و نهم خوش کننده و کم است دهن کذا فی الصغیری و سراج الظلام

این مدعا چند احادیث اندر اینجا مذکور شد می پردازم اول حدیثی است
 که نزدی و ابی داؤد از عامر بن ربیع روایت کرده اند قال رایث النبی صلی الله علیه
 وسلم لا احصى بئسوک و هو صائم یعنی عامر بن ربیع گفت که دیدم نبی صلی الله علیه
 و سلم آن قدر که شمار کردن نمی توانم که مسواک میکرد حال آنکه روزه دار بود و وصحی
 که روایت کرده شده است از آنحضرت صلی الله علیه و سلم قال فی خصال الصائم مسواک بعضی بهترین
 خصلمتار روزه دار مسواک است سوم حدیثی که از آنحضرت صلی الله علیه و سلم در بخاری و مسلم روایت کرده
 شده لولا ان شتی علی امتی لا مرمم بالسواک عند کل صلوۃ یعنی اگر نبودیم که در مشقت اندازیم
 من امت خود را بر آیند واجب می گردانیدم بر ایشان مسواک کردن نزدیک بر نماز
 وجه استدلال ازین حدیث آنست که عند کل صلوۃ عام است شامل صلوۃ صائم و غیر
 صائم و شامل جمیع اوقات است پیش از زوال بود یا بعد آن چهارم حدیثی است که مذکور
 کرده شد از آنحضرت صلی الله علیه و سلم صلوۃ بالسواک افضل من سبعین صلوۃ بالسواک
 یعنی یک نماز که بمسواک ادا کرده شود بهتر است از هفتاد نماز که بغیر مسواک ادا کرده شود
 وجه استدلال ازین حدیث بر مدعا چنین است که صلوۃ اگر چه نکره و در محل اثبات است
 لیکن بسبب موصوف بودنش بصفت عامه عام شد و عام شامل نماز صائم و غیر صائم
 پنجم حدیثی است که از عایشه صدیقہ رضی الله عنها روایت کرده شده است عن النبی
 صلی الله علیه و سلم کان یستاک ول النهار و آخره و هو صائم یعنی نبی صلی الله علیه
 و سلم است که بود مسواک میکرد اول روز و آخر روز و حال آنکه روزه دار بود و
 احادیثی که در ادراک احادیث می آیند آن احادیث نیز فی نفس صحیح اند و بر وجهی که
 مسواک برای صائم فائده مفقوشانی اعداد القیاح و لایکروه له السواک آخر النهار

بل هو منه كآوله لقوله عليه السلام لو لان شئ على آتى لام تم بالسواك عند كل
 صلوة يدخل في عموم كل صلوة الظهر والعصر والمغرب للصائم والمنفطر ولقوله صلى الله
 عليه وسلم صلوة بالسواك افضل من سبعين صلوة بلا سواك فلهذا النكرة وان كانت
 في الاثبات نعم بوجها بصنفه عامة فيصدق على عصر الصائم اذا استاك فيه انما صلوة
 افضل من سبعين كما يصدق على عصر المنفطر كذا في الفتح وفي كفاية الجيب روى عن
 عائشة رضي الله عنها ان النبي صلى الله عليه وسلم كان يستاك اول النهار وآخره وهو
 صائم كذا في الكفاية شرح الهداية وتزاد امام ابى يوسف سواك طيب انخره مكرهه ليست
 برای روزه دار سواك تر کرده شده از آب مكرهه است نزد او چه كه دين داخل كرد
 آب است در دهن بغير ضرورت و در ظاهر روايت آن است كه مكرهه ليست بهمين فخر امام اعظم امام
 محمد رحمه الله چراكه مقصود طهارت دهن است و اين سواك بمنزله مضمضة است
 و در سواك تری آب بقدر تری آب مضمضة دهن باقی نماند و مضمضة مكرهه ليست پس سواك
 تر هم كرده نخواهد شد و جواب امام ابى حنيفة و امام محمد از طرف امام ابى يوسف بدین
 گونه ممكن است كه مضمضة حاصل میشود بدخل كردن آب در دهن و سواك كردن ممكن
 بدون اين پس قی شد ما بين هر دو في قنای قاضی خان و اما الرطب لا انخره فلا باس
 به عند الكل وفيه ايضا وقال ابو يوسف يكره المبلول بالماء لان فيه ادخال الماء في
 الفم من غير ضرورة وفيه ايضا وفي ظاهر الرواية انه لا باس بذلك لان المقصود
 هو التطهير فكان بمنزله مضمضة وفي حاشية الخطاوى على الدر المختار وقيل يكره
 بله ولا وجه لانه مضمض بالماء فكيف يكره له استحصال الرطب وليس فيه من الماء
 قدر ما يبقى في فمه من البلل من اثر المضمضة وفيه ايضا قال المحموى قد تفرق بين

ادخال الماء المضمضة وادخاله للاستیاک لان المضمضة لا تیادی بدون ادخال الماء
واما الاستیاک فیتأتی بدونه وتزدیک بعضی مکروه است مسواک کردن در وضو و غسل
فی جامع الرموز و قبل بکیره فی وضو انفل کما فی الزاهدی و غیره و نزد اسحاق مطلق مسواک
رطب باشد یا بابس تر بآب باشد یا نه مکروه است کذا فی شعبة المعات و نزد یک اشاعری
رحمة الله علیه و امام احمد و ربکی از دور روایت مرویه از ابو جعد زوال مسواک مطلقاً
مکروه است فی الدرر و لا سواک و لو عشیاً او طیباً بالماء علی المذهب و کبریه الشافعی و الا
و فی المیزان للشعرانی و قال الشافعی و احمد فی الروایة الاخری مکروهه فیہ ایضاً و الثانی
مشهد و فرج الامر الی مرقی المیزان و حجت امام شافعی و امام احمد و اسحاق رحمهم الله
بر اثبات این مدعا بدو دلیل است اول آنجه از آنحضرت صلی الله علیه و سلم مرویت
خلوف فم الصائم عند المدا طیب من السک لاذفر یعنی هر آینه بوی دهان روزه دار
خوشبو و از ترست نزدیک خدای تعالی از بوی مشک اذفر و وجه حجت گرفتن این
حدیث بدو گونه است که مسواک زائل میکند این بوی را و در کتاب الامام با حادث
الاحکام بر روایت ابی هریره چنین وارد شده و الذی نفس محمد بیده خلوف فم الصائم
اطیب عند الله یوم القیامة من ریح السک یعنی قسم بذاتیکه نفس محمد بید قدرت او
هر آینه بوی دهان روزه دار پاکیزه ترست نزدیک خدای تعالی بر روز قیامت از بوی
مشک دوم آنکه در مسواک کردن از آله اثر محسوس فی شرح اسلام للنووی و فی الشیخ
ان السواک بکیره للصائم بعد زوال الشمس لئلا یزال خلوف الفم و فی حاشیة الطحاوی
علی الدر المختار قوله و کبریه الشافعی لقوله صلی الله علیه و سلم خلوف فم الصائم عند المدا طیب
ریح السک لاذفر و لان فیه زالة الاثر المحمود و جواب این هر سه آنکه از طرف امام اعظم

بسته چنانکه است و اول آنکه از مسواک کردن بر نفی کردن مسواک در دو جهت دوم
آنکه خلوفی که نزد خدا طیب از مشک است زایل نمیشود از مسواک کردن و وجه سوم آنکه
صحابه کبار رضوان الله علیهم حسین کرده میدهند کلام کردن خود با آنحضرت صلی الله علیه
وسلم در روزه بسبب تغییر بوی دهان خود بپس دور کردن آنحضرت صلی الله علیه وسلم این است که او را
بذکر عظمت شان خلوف روزه دار فی سحیته اطحاوی علی الدر المختار و لیس فیما روی الله
علی انه لا یتاک و فی شرح الوقایه و نحن نقول ان خلوف الذی کان طیب عند الله من المسک
لا یزال بالسواک و ایضا فی تلك الحاشیة و در حدیثی که در خلوف لایسهم کافوا یتحیر
عن الکلام معه لتغیر فمهم منعم عن ذلک بذکر شانه مخفی شانه که بدون خلوف نزدیک خدا
طیب از مشک بدو توجیه است توجیه اول آنکه روزه دار برین طیب خلوف ثواب داده
میشود و زیاده از آنچه ثواب داده میشود تطیب بمسک در مواضعیکه در آن شرعاً تطیب واجب
طیبیه مقصود است مثل یوم جمعه و عید الفطر و عید الاضحی توجیه دوم آنکه طیب خلوف دهان روزه
طیب است به نسبت بوی مشک که نزد انسان است و تاویل عند الله بدو گونه است
یکی بدون تقدیر مضاف است یعنی این خلوف دهان روزه دار نزدیک از خدا است یعنی
از رحمت و ثواب خدا چنانچه تطیب بمسک مقرب محبوب نزدیک شماست و دیگری
به تقدیر مضاف است یعنی نزدیک ملائکه خدا یعنی آنها خلوف دهان روزه دار را طیب
از بوی مشک می شمردند کذا قاله الطحاوی فی سحیته علی الدر المختار و در آنکه لیس
و چهارم در بیان فضیلت نمازیکه مسواک گزارد و بشود
بدانکه نمازیکه برای آن مسواک کنند بر نمازیکه برای آن مسواک نکنند متفاوت در فضیلت
و حریت دارد و احادیثی که برین مدعا دلالت دارند و در آنکه لیس و پنجم خواهی آمد

در آنکه لیس و چهارم در بیان فضیلت نمازیکه مسواک گزارد و بشود

انشار الله تعالى واینها بیک حدیث از ان التقایم و فی الترغیب والترہیب ناقلاً
 عن المبیق فی شعب الایمان احمد و ابن خزيمة و الحاکم و الدارقطنی و ابن عدی و ابی نعیم
 عن عایشة رضی اللہ عنہا قالت قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم تفضل الصلوة
 التي یستاک لها علی الصلوة التي لا یستاک لها سبعین ضعفا یعنی عایشة میگویی کہ فرمود
 رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم فضل دارد نمازیکہ مسواک کرده شود برای آن بر نمازیکہ مسواک
 نکرده شود برای آن هفتاد و چند ادراک بستی و بیجم در بیان احادیث
 کہ در باب مسواک مروی شده باید دانست کہ علماء جمیع المذہب فرموده اند
 کہ در باب فضل مسواک قبل احوال حدیث وارد شده اند کما فی اشعة اللمعات لیکن بحایة کتاب احوال و فقہ
 و فضائل و احکام مسواک زیاده ازین ہم بنظر آمده اند چنانچہ عنقریب واضح میشود و ہر چند
 بعض احادیث این ادراک سابقاً در رکات گذشته بمقام استناد بعض دعای بطور
 سند مذکور شدہ اند لیکن اینجا بمقتضای آنکہ ہو المسک مکررہ بتضوع و ہم بنظر ایراد
 جملہ احادیث مسواک بیک مقام اعادہ آنها شدہ است اول نچہ مشکوٰۃ المصابیح
 نقل عن المسلم از عایشہ رضی اللہ عنہا و سبت قالت قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم
 عشرة من الفطرة قص الشارب و اعفاء الخیة و السواک و استنشاق المار و قص الاظفار
 و غسل البرجم و تنف الابط و حلق العانة و انتخاص المار یعنی الاستنجاء قال الراوی
 و سبت العاشرة الا ان ینوی لمضمضة و فی رواية النخاع بدل اعفاء الخیة یعنی
 عایشہ گفت رضی اللہ عنہا کہ فرمود رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم کہ ده چیز از فطرت
 یعنی سنت انبیاست کوتاہ کردن سبت و فرو گذاشتن و وافر گردانیدن ریش
 و مسواک کردن و کشیدن آب در بینی و تراشیدن ناخن و شستن بر اجم یعنی بندھا

احادیث مستند و بیجم در بیان احادیثی کہ در باب مسواک مروی شدہ

انگشتان پیش پوشت آنها که چیرکها در آنجا جمع شود و برکندن موی نعل و سترن جو
 خانه و کم کردن آب یعنی استنجار اوی گوید که فراموش کردن غسلت و همراهم اگر آنکه باشد
 مضربه و در روایتی لفظ ختنه بجای اغلی کحیه واقع شده دوم آنچه در شکوه اصباح
 نقل از ابن الشافعی و احمد و الدایمی و النسائی و ابن خزمیه فی صحیحہ و البخاری فی صحیحہ و ابی
 از عایشه رضی الله عنهما روی شده قالت قال رسول الله صلی الله علیه وسلم السواک
 مطهرة للغم و مرضاة للرب یعنی گفت عایشه رضی الله عنها که فرمود رسول خدا صلی الله
 علیه وسلم که مسواک پاک کننده است مردمن را و خوشنود کننده است مردن را و در گار
 سوم آنچه ابو داود و در سنن خود از عبد الله بن عباس روایت کرده قال بث لیلة
 عن النبی صلی الله علیه وسلم فلما استیقظ من منامه اتی طوره فاخذ سواک فاستاک
 ثم تلا هذه الآیة ان فی خلق السموات والارض و اختلاف الیل والنهار لآیات لا ولی
 الا للباب حتی قارب ان ینتم السورة او ختمها ثم توضا فاتی مصلاة فصلی کعتین ثم رجع
 الی فرشه فنام ما اشار الله ثم استیقظ ففعل مثل ذلک ثم رجع الی فرشه فنام ثم استیقظ
 ففعل مثل ذلک کل ذلک لیستاک ویصلی کعتین ثم و تر قال ابو داود و در واه ابن فضال عن
 حصین قال فتنسوک و توضا و هو یقول ان فی خلق السموات والارض حتی ختم السورة
 یعنی عبد الله بن عباس رضی الله عنهما میگوید که خوابیدم شبی نزدیک نبی صلی الله علیه
 وسلم پس هرگاه بیدار شد آنحضرت از خواب خود بیدار آب وضو پس گرفت مسواک
 خود پس مسواک کرد پس تر خواند این آیه را ان فی خلق السموات والارض و اختلاف الیل
 والنهار لآیات لا ولی الا للباب تا اینکه قریب بود که ختم کند سوره را یا ختم کرد آنرا پس آمد
 نمازگاه خود را پس گذارد و رکعت پس باز آمد بسوی بستر خود پس خواب کرد و هر قدر که خواست

خدا پسترسیدارشید پس کرد مثل آن پسترباز آمد طرف بستر خود پس خواب کرد پسترسیدارشید
پس کرد مثل آن هر بار مسواک میکرد و دو رکعت نماز میخواند پسترباز و تر گذارد و در وقت
مسلم از ابن عباس چنین مرویست انه بات عند النبی صلی الله علیه وسلم من آخر الليل
فخرج فنظر فی السما ثم تلا هذه الآية فی آل عمران ان خلق السموات والارض و اختلاف
اللیل والنهار حتی بلغ فقنا عذاب النار ثم رجع الی البیت فستوک فتوضأ ثم قام فصله
ثم قطع ثم قام فخرج فنظر الی السما فتلا هذه الآية ثم رجع فستوک فتوضأ ثم قام فصله
یعنی در روایت مسلم از عبد الله بن عباس چنین آمده که او در شب خواب کرد و نزدیک نبی
صلی الله علیه وسلم از آخر شب پس بیرون آمد آنحضرت پس نظر کرد بسوی آسمان پسترباز
تلاوت کرد این آیه را که در سوره آل عمران است یعنی ان فی خلق السموات والارض
و اختلاف اللیل والنهار تا رسید بدین آیه فقنا عذاب النار پسترباز رجع کرد بسوی
خانه پس مسواک کرد و وضو کرد پسترباز پس خوابید خوابی پسترباز بتناد
پس بیرون آمد و نظر کرد بسوی آسمان پس تلاوت کرد همین آیه را پسترباز آمد بخانه پس
مسواک کرد پس وضو کرد پسترباز بتناد پس نماز خواند و در ترغیب و ترهیب نقل از ابن
ماجه والنسائی عن ابن عباس کهذا قال کان رسول الله صلی الله علیه وسلم یصلی باللیل
رکعتین کحزینین ثم یصیر فیستاک یعنی گفت ابن عباس که بود رسول خدا صلی الله
علیه وسلم بگذارد و در شب دو رکعت پس باز میگشت از آن پس مسواک میکرد
چهارم آنچه در بنایه شرح بر اوایت احمد و طبرانی از واثقه بن اسقع آمده است امرت
بالسواک حتی خشیت ان یتب علی یعنی امر کرده شدم به مسواک کردن تا اینکه ترسیدم
از آنکه فرض کرده شود بر من و در روایت ابی یعلی از ابن عباس چنین آمده عن النبی صلی

علیه وسلم انه قال لقد امرت بالسواک حتی ظننت انه نزل علی فیه قرآن او وحی یعنی فرمود
 بر آنکه امر کرده شدم بمسواک تا آنکه گمان کردم که به تحقیق نازل کرده شود بر من درین باب
 قرآنی یا وحی در روایت احمد چنین آمده لقد امرت بالسواک حتی خشیت ان یوحی الی
 فیه شئی یعنی بر آنکه تحقیق امر کرده شدم بمسواک حتی که ترسیدم بآن که وحی کرده شود و بطریق
 من در آن چیزی پیچیده تر ترغیب تر هبیب بر روایت ابو یعلی از عایشه رضی اللہ
 تعالی عنہا مروی شده قالت ان النبی صلی اللہ علیہ وسلم مازال یذکر السواک حتی خشیت
 ان نزل فیه قرآن یعنی عایشه رضی اللہ عنہا میگوید دیدم رستیکه نبی صلی اللہ علیہ وسلم همیشه
 ذکر میکرد مسواک را تا اینکه ترسیدم که نازل کرده شود در باب آن قرآن ششمینم آنچه در بنایه
 بر روایت ابن جبان از حدیث عامری مروی گشته که انولید خلون علی النبی صلی اللہ علیہ وسلم
 فقال تدخلون فها استکوا یعنی بودند مردمان که می درآمدند بر آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم پس
 فرمود که در می آئید ز رو دندان مسواک کنید بقیه السواک نصف الایمان یعنی مسواک
 کردن نیمه ایمان است و چون مسواک بجملة طور است و در باب طور حدیث دیگر وارد شده
 که الطور شرط الایمان پس مسواک هم نصف ایمان خواهد بود و هشتم السواک واجب علی کل
 مسلم یعنی مسواک کردن واجب است بر هر مسلمان مراد بواجب معنی مستطیع نیست
 بلکه معنی حق ثابت است نهیم السواک من لفظة مسواک کردن از فطرت است و نهم
 السواک من سنة فاستکوا فی امی وقت لقد امرت بالسواک حتی حیث استانی یعنی مسواک
 کردن از سنت است پس مسواک کنید در هر وقتیکه خواهید بر آنکه تحقیق امر کرده شدم
 بمسواک کردن تا آنکه سوده گردد و بیست شود دندان من یازدهم خیر خصال الصائم السواک
 یعنی بهترین خصایصهای روزه دار مسواک کردن است و دوازدهم فی السواک عشر خصال

یطیب النعم ویشد الله امی مغا ذرا لسان و یجلو البصر و ینزه البیغم و ینزه البخر و یوق
 السنه و یفرح الملائکة و یرضی الرب و یرید فی الحسنات و یصح المعده یعنی در مسواک و خلعت
 اند پاک میکند و بهر بنی و سخت میکند لثه را یعنی جای بر آمدن دندان مر و روشن میکند و بنا فی را
 و می برد بغم را و می برد گندگی دهن را و موافقت میکند سنت را و خوش میکند و ششگان را
 و خوشنود میکند پروردگار را و زیاده میکند در نیکیها و صحیح میکند معده را کذا فی سنن ابوداود
 و در بنایه بر روایت ابوالنعم از ابن عباس چنین آمده السواک ینزه البیغم و یفرح الملائکة
 و یوافق السنه یعنی مسواک می برد بغم را و خوش میگرداند و ششگان را و موافقت میکند
 سنت است یعنی مسواک بدلیل الفصاحه یعنی مسواک زیاده میکند در اقصا صحت چهار و هم طیبوا
 افواهکم بالسواک فانها طرق القرآن یعنی پاک کنید دهن را می خود را بمسواک کردن پس
 بتحقیق این دهنها را بهای قرآن اند و در بنایه بر روایت ابی نعیم از علی رضی الله عنه
 چنین آمده ان افواهکم طرق القرآن فطربوا بالسواک یعنی بتحقیق دهنهای شما را بهای
 قرآنست پس پاک کنید آنها را بمسواک کردن پانزدهم کان علیه السلام لاینام الا بالسواک
 فاذا استیقظ بدأ بالسواک کذا فی سنن المدنی فی متابعه المصطفی عبد الله بن احمد
 بن عبد القدوس یعنی بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که خواب نیکو برد و ن مسواک
 کردن پس وقتی که بیدار میشد شروع میکرد بمسواک کردن شانزدهم در مشکو و بر روایت
 احمد و ابوداود از عایشه رضی الله عنها است قالت کان النبی صلی الله علیه وسلم
 لایرقد من لیل الا انها فیستقیظ الا بتسوک قبل ان یتوضأ یعنی عایشه گوید بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
 که خواب نیکو کرد از شب نه از روز پس بیدار میشد مگر مسواک میکرد پیش از این که وضو
 کند یعنی بعد بیدار شدن از خواب پیش از وضو معتاد بمسواک بود و هفتم آنچه روایت کرد

مسلم از عایشه رضی الله عنهما ان النبی صلعم کان اذا دخل مئة یا بالسواک یعنی تحقیق
 بود آنحضرت صلعم هر گاه که در می آمد بخانه خویش شروع میکرد بمسواک کردن و در روایت
 دیگر مسلم بروایت شریح بن ابیانی از عایشه رضی الله عنهما چنین مروی گشته قال
 سألت عائشة بای شئ کان یبدر رسول الله صلعم اذا دخل مئة قالت بالسواک یعنی
 شریح بن ابیانی گفت که پرسیدم عایشه را کدام چیز بود که شروع و آغاز میکرد رسول خدا
 صلی الله علیه وسلم وقتی که در می آمد بخانه خویش گفت عایشه ابتدا میکرد بمسواک و بعد از آن
 آنچه روایت کرد بطبرانی از زید بن خالد جهنی قال کان رسول الله صلعم یخرج من مئة یعنی
 من الصلوات حتی یستاک کذا فی الترغیب والترهیب یعنی زید بن خالد جهنی میگوید که نبود
 آنحضرت صلی الله علیه وسلم که بیرون می آمد از خانه خود برای چیزی از نماز تا اینکه مسواک
 میکرد و نوزدهم آنچه روایت کرد بطبرانی در اوسط از عایشه رضی الله عنهما قالت قال
 رسول الله صلی الله علیه وسلم لزم السواک حتی خشیت ان یدرونی یعنی عایشه
 گوید گفت رسول خدا صلی الله علیه وسلم که لازم گرفتیم مسواک کردن را تا اینکه ترسیدیم که بفرقیته
 دهن من یعنی از کثرت مسواک ساقط گردد دندان دهن من و در روایت دیگر بطبرانی
 از امام مسلمه رضی الله عنهما چنین آمده قالت قال رسول الله صلی الله علیه وسلم ما زال
 جبرئیل یوصی بالسواک حتی خفت علی اضراسی کذا فی الترغیب والترهیب یعنی گفت
 ام سلمه فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم همیشه بود جبرئیل که وصیت میکرد بمسواک
 کردن تا اینکه ترسیدم بر دندانم دو در بنایه بروایت دیگر بطبرانی و در روایت دیگر و این باج
 واحد و ابو نعیم و ابن بسکین چنین آمده ما زال جبرئیل علیه السلام یوصی بالسواک حتی
 خشیت ان یدرونی که همیشه جبرئیل علیه السلام وصیت میکرد بمسواک کردن

تا اینکه ترسیدم آنکه بقتل دهن من قودر روایت احمد از ابی امامه چنین آمده ان رسول الله
 صلی الله علیه وسلم قال جابر بن جبریل علیه السلام قضا الامر فی السواک لقد خشیت ان
 مقدم فی یعنی بتحقیق رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که نیاید مرا جبریل علیه السلام برگز
 مگر اینکه امر کرده ام بسواک کردن هر آنکه بتحقیق ترسیدم آنکه بقتل دهن من قودر روایت احمد از ابی امامه چنین آمده ان رسول الله
 خود را بستم انچه روایت کرد برار از علی رضی الله عنه انه امر بالسواک وقال قال رسول الله
 صلی الله علیه وسلم ان العبد اذا تسوک ثم قام یصلی قام الملک خلفه فیسبح بقرآن فیهوا
 من و کلمته نحو ما حتی یضع فاه علی فیه فلیخرج من فیه شئی من القرآن الا صار فی جوف
 الملک فظنوا انهم للقرآن کذا فی الترغیب والترہیب یعنی بتحقیق امر کرده علی رضی الله عنه
 بمسواک کردن گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم بتحقیق هر دو هر گاه که مسواک کرد
 پس برخاست که نماز بخواند بر منیخه و ملکی خلف او پس می شنود بقرآن اولیست قریب میشود
 با و یا کلمه مانند آن ذکر کرد آنحضرت تا اینکه می نهد دهن خود بر دهن او پس بر بنی آید از
 دهن مصلی چیزی از قرآن مگر آنکه میشود در شکم ملک پس پاک کنید دهن های خود را برای
 قرآن و در بنایه بر روایت ابو نعیم از جابر رضی الله عنه چنین آمده اذا قام احدکم من الصل
 یصلی فلیستک فانما اذا قام یصلی آتاه ملک فیضع فاه علی فیه فلیخرج شئی من فیه الا وقع
 فی فی الملک یعنی چون بایستد یکی از شما از شب که بخواند نماز را پس باید که مسواک کند پس
 بدستیکه چون بایستد که بخواند نماز را می آید او را فرشته پس می نهد دهن خود را بر دهن
 پس بر بنی آید چیزی از دهنش مگر آنکه بقتل دهن من قودر روایت احمد از ابی امامه چنین آمده ان رسول الله
 ابو نعیم از جابر رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم کفنان بالسواک
 انتم من سبعین رکعة یعنی گفت جابر فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم

و در رکعت بسواک بهتر است از هفتاد رکعت بغیر سواک و در روایت دیگر ابو نعیم از ابن
 عباس رضی الله عنه چنین آمده ان النبی صلی الله علیه وسلم قال ان اصل رکعتین بسواک
 احب الی من ان اصلي سبعین رکعة بغیر سواک یعنی بدستیکه نبی صلی الله علیه وسلم
 فرمود هر آینه آنکه بگذارم دو رکعت نماز بسواک دوست تر است نزد من از آنکه بگذارم
 هفتاد رکعت بدون سواک و در روایت دیگر بنابر احمد و ابی یحیی و ابن خزمیه از حضرت ارسطو
 رضی الله عنها چنین است عن النبی قال فضل الصلوة بالسواک علی الصلوة بغیر سواک
 سبعین ضعفا کذا فی الترغیب والترہیب یعنی بزرگی نمازی که بسواک باشد بر نمازی که
 بدون سواک بود هفتاد و چند است و در روایت احمد چنین است انه علیه السلام قال
 صلوة بسواک افضل من سبعین صلوة بغیر سواک کذا فی المرقاة و کذا فی سنن الہدی یعنی
 بتحقیق آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که یک نماز بسواک بهتر است از هفتاد نماز بغیر
 سواک و در بنایه بر روایت بیہقی در شعب الایمان احمد و ابن خزمیه و حاکم و دارقطنی
 و ابن عدی و ابی نعیم از عایشہ رضی الله عنها چنین آمده قالت قال رسول الله صلی الله
 علیه وسلم تفضل الصلوة التي لیستاک لهما علی الصلوة التي لا لیستاک لهما سبعین ضعفا
 یعنی گفت عایشہ رضی الله عنها فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم بزرگی دارد نمازی
 که مسواک کرده شود برای آن بر نمازی که مسواک نکرده شود برای آن هفتاد و چند است و در
 آنچه در بنایه نقل از عایشہ صدیقہ رضی الله عنها آمده بود یک سنہ و علی فریضیہ
 السواک و الوتر و قیام اللیل یعنی فرمود رسول الله صلی الله علیه وسلم این سه چیز بزرگ
 شاست است و بر من فرض یک مسواک کردن دوم نماز و ترخواندن سوم بر بختن
 و استادن شب یعنی نماز شب خواندن است و در روایت کرد ابو نعیم از عایشہ

رضی الله عنہا قالت کان علیہ السلام یستاک عرضاً لا طویلاً یعنی گفت عایشہ رضی اللہ عنہا بود آنحضرت
 علیہ السلام کہ مسواک میکرد و در عرض دندان نہ طول آن و در روایت ابی داؤد و حنین است آن
 است که تم فاستکوا عرضاً یعنی ہر گاہ مسواک کنید پس سواک کنید در عرض دندان و در روایت
 بہیقی از ربیعہ بن اکثم روایت قال کان رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم یستاک عرضاً و تیسرے
 مصابو یقول ہواہنی و امرا یعنی گفت راوی ہوا بود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کہ مسواک میکرد
 و در عرض دندان و می نوشید آب از رومی کہیدن و میگفت کہ این خوشگوار تر و گوارہ تر است
 بست و چہارم انچہ شیخین ابی موسیٰ روایت کردہ اند قال اتینا رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم
 قرۃ یستاک علی لسانہ کل ذلک فی البنائی یعنی آدمیم رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم پس
 دیدم آنحضرت را علیہ السلام کہ مسواک میکرد بر زبان خود و در کتاب الامام با حادیت الاحکام
 بر روایت مسلم از ابی موسیٰ حنین است قال دخلت علی النبی صلی اللہ علیہ وسلم و طرف السواک
 علی لسانہ یعنی گفت و آدمم بر نبی صلی اللہ علیہ وسلم و کنارہ مسواک بر زبان شمرش بود
 و در بیان کتاب بروایت سنن ابی داؤد از ابی بردہ عن ابیہم روایت قال اتینا رسول اللہ
 صلی اللہ علیہ وسلم استحاجہ قرۃ یستاک علی لسانہ یعنی و آدمیم رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم را
 در حالیکہ سواری می طلبیدیم از آنحضرت پس دیدم او را مسواک میکند بر زبان خود و بست و
 انچہ در نسائی از ابی موسیٰ روایت است قال دخلت علی رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم و
 ہویشتن و طرف السواک علی لسانہ و ہو یقول عایشہ یومع یعنی ابو موسیٰ گفت و دخل شدم
 بر رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم در حالیکہ او مسواک میکرد و کنارہ مسواک بر زبان او بود و
 میگفت عایشہ یعنی تنوع میکرد و در روایت دیگر حنین است و دخلت علی النبی صلی اللہ
 علیہ وسلم و قد وضع السواک علی طرف لسانہ یقول آہ یعنی تنوع یعنی راوی گوید

که داخل شدیم بر نبی صلی الله علیه وسلم و آنحضرت نهاده بود مسواک را بر کنار ده زبان خود و می
فرمود آه آه یعنی تنوع میکرد و نسبت و ششم آنکه در بنایه بر روایت بطرفی در او سطر خود از سوا
بن جیل رضی الله عنه مروی شد قال سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول
نعم السواک الزیتون من شجرة مبارکة یطیب النعم و یدهب الحفر و هو سواکی و سواک الانبیاء
من قبل یعنی معاذ بن جبل میگوید که شنیدم رسول خدا صلی الله علیه وسلم را که میگفت
چه خوش مسواک زیتون است از درخت برکت داده شده پاک میکند و همین راومی برد
کنده و دهنی را و آن مسواک من انبیا پیشین من است و در حاشیه در مختار از طحاوی و بر روایت
بطرفی چنین است نعم السواک الزیتون من شجرة مبارکة و هو سواکی و سواک الانبیاء
قبل یعنی خوش مسواک زیتون است از درخت برکت داده شده و آن مسواک من انبیا
پیشین من است است و هفتم آنچه در بنایه بر روایت بطرفی از جابر رضی الله عنه مرویست
کان السواک من اذن رسول الله موضع اقل من اذن الکاتب یعنی بود مسواک از گوش
رسول الله موضع قلم از گوش کاتب یعنی جاییکه کاتب قلم بر گوش نهاده آنجا رسول الله
صلی الله علیه وسلم مسواک می نهاده نسبت و ششم آنچه در مشکوٰۃ المصابیح بر روایت ترمذی
و ابوداؤد از ابی سلمه زید بن خالد جهنی مرویست قال سمعت رسول الله صلی الله علیه
وسلم یقول لولا ان تشق علی امتی لاهتمم بالسواک عند کل صلوٰۃ و لا خیر صلوٰۃ اعشاء
اللیث قال کان زید بن خالد یشهد الصلوٰۃ فی المسجد و سواکه علی اذنه موضع اقل
من اذن الکاتب الیقوم الی الصلوٰۃ الا استن ثم رده الی موضع رده الترمذی و ابوداؤد
الا انه لم ینکر و لا خیر صلوٰۃ العشاء الی ثلث ایل یعنی گفت راوی که شنیدم رسول خدا
صلی الله علیه وسلم را میگفت اگر نمی بود ترس آنکه در مشقت اندازم است خود را بر آینه

واجب میگردد انیدم بر آنها مسواک کردن یک مرتبه و هر آینه تاخیر میکردم نماز عشا را تا دو
 و انگ شب گفت ابوسعلمه را وی پس بجزیه بن خالد که حاضر می شد نماز را در مسجد
 و مسواک و بگوشتش می بود بجای قلم از گوش نویسنده برنی خاست برای نماز دیگر مسواک
 میکرد و پستری نهاد بجای او یعنی در گوش خود تا اینجا ترندی و ابو داود و اتفاق روایت
 کردند لیکن ابو داود ذکر کرد و لاخرت صلوة العشاء الی ثلث الليل کسبت نهم آنچه در سنن
 ابی داود از عایشه نقل است ان النبی صلی الله علیه وسلم کان یوضع یضو و یضو و یضو و یضو
 فاذا قام من الليل یسجد ثم استاک یعنی تحقیق نبی صلی الله علیه وسلم بود که نهاده میشد بر
 آداب وضو و مسواکش پس چون برمی خاست از شب قضای حاجت میکرد و پستری
 مسواک میکرد سی ام آنچه روایت کرد بخاری از انس رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم
 علیه وسلم لقد اشرت علیکم فی السواک یعنی گفت انس فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم
 و سلم بر این تحقیق بسیار کردم و دراز کردم بر شما سخن درباره مسواک سی و یکم آنچه روایت
 کرد ابو داود از عایشه رضی الله عنها قالت کان رسول الله صلی الله علیه وسلم یسجد و یسجد
 رجلا من حدیها اکبر من الآخر فاحی الله الیه فی السواک ان کبر اعطاه السواک اکبرها یعنی میگوید
 عایشه رضی الله عنها بود رسول خدا صلی الله علیه وسلم که مسواک میکرد و نزدیک آن حضرت
 دو کس بودند یکی از آنها بزرگتر بود از دیگری پس حی فرستاد خداوند تعالی بسوی آن حضرت صلی الله
 علیه وسلم بحیث فضیلت مسواک یعنی بده مسواک را بزرگترین این هر دو و در روایت
 بخاری و مسلم از عبد الله بن عمر رضی الله عنهما چنین آمده ان النبی صلی الله علیه وسلم قال
 ارانی فی المنام تسوک بسواک فجانی رجلا من حدیها اکبر من الآخر فاولت السواک الا صغر
 منها فقیل له کبر فذعت الی الاکبر منها یعنی بدستیکه نبی صلی الله علیه وسلم فرمود می بینم

خود را در خواب که مسواک میکند بمسواکی پس آن مدینه مراد و کسکی یکی از آنها بزرگتر از دیگری بود
 پس دایم مسواک را به خرد تر از آنها پس گفته شد مراد به بزرگتر را پس دایم مسواک را
 به بزرگتر از آن هر دو سنی و دوم آنچه روایت کرد ترمذی از ابی ایوب و بطبرانی و احمد و ابی یوسف
 من سنن المرسلین النخاع و السواک و التطهر و النکاح یعنی چهار چیز از سنتهای پیغمبران
 سابق اندخته کردن و مسواک کردن و استعمال بوی خوش نمودن و تزوج بمناس کردن
 و در روایت ترغیب و ترهیب نقل از ترمذی از ابی ایوب لفظ الحیا یعنی شرم داشتن
 بدل النخاع واقع شده سنی و سوم آنچه در بنایه بر روایت بزرگ و بطبرانی است الطهارات ربع
 فصل الشواری و حلق العانة و تقییم الاطفار و السواک یعنی طهارات چهار اندلست کردن
 لبها و شستن موی عانة و تمشیدن ناخنها و مسواک کردن سنی و چهارم آنچه در در فضیلت
 ثلث من اخلاق المرسلین تعجیل الافطار و تاخیر السجود و السواک یعنی سه چیز از خلقها
 مرسلین اند شتابی کردن در افطار و تاخیر کردن در سجود و مسواک کردن سنی و پنجم آنچه روایت
 کرد بخاری از ابی برده از پدرش قال اتیت النبی صلی الله علیه و سلم فوجدته لیسن لبسواک
 بیهة یقول الخ و السواک فی قمیه کانه یتنوع یعنی راوی گوید که آدم نبی صلی الله علیه
 و سلم را پس یافتیم او را که مسواک میکند بمسواکی که در دست شرفش بود و میگفت الخ
 و مسواک در دهن مبارکش بود گویا آنحضرت تنوع میکرد سنی و ششم آنچه در بنایه بر روایت
 عقیلی و ابو نعیم از عایشه رضی الله عنها منقول است انها قالت کان اذا سافر حمل السواک
 و المشط و المحلاة و القارورة و المرأة یعنی بدرستی که گفت عایشه رضی الله عنها بود آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم وقتی که سفر میکرد بر میداشت مسواک و شانه و سرمه دان و شیشه و آئینه
 سنی و هفتم آنچه در بنایه بر روایت ابن ماجه از عایشه رضی الله عنها روایت است کنت اصنع له

تمت آیتها بطوره وانا السواک وانا الشراب یعنی نبودم من که می ساخته ام برای آنحضرت
صلی الله علیه وسلم سطر ظرف ظرفی برای آب وضوی او و ظرفی برای مسواک و و ظرفی برای
شراب اوستی و هشتم آنچه در ترغیب و ترهیب بروایت ابن ماجه از ابی امامه است آن
رسول الله صلی الله علیه وسلم قال تسوكونا فان السواک مطهرة للفرج ووضوءه لا یزال یجاء
بجبریل الا اوصای بالسواک حتی لقد خشیت ان یفرض علیّ وعلی امتی و لولا انی اخاف
ان اشق علی امتی لفرغته علیهم وانی لا استاک حتی خشیت ان احفی مقادیر فی بعض تحقیق
رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود مسواک کنید پس بدستیکه مسواک کردن پاکست برا
وین خوشنود نیست برای پروردگارتانید مرا جبرئیل مگر در حالیکه او وصیت کرد بمسواک
کردن تا اینکه ترسیدم آنکه فرض کرده شود بر من بر است من و اگر نه ترس میکردم آنکه سخت
میکردم بر است خود هر آینه فرض میکردم مسواک کردن بر آنها و بدستیکه هر آینه مسواک میکنند
تا اینکه می ترسم آنکه بر کنم پیش وین خود هستی و نعم آنچه در صحیحین از ابی هریره رضی الله عنه آمده
قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم لولا ان اشق علی امتی لامرتم بتأخیر العشاء و المسواک
عند کل صلوٰة یعنی فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم اگر ترس آن نبود که سخت میکردم
بر است خود هر آینه امر میکردم آنها را یعنی فرض میکردم تأخیر عشاء و مسواک کردن در
هر نماز و در همان کتاب بروایت مالک احمد و نسائی و صحیح ابن خزمیه و حاکم و بخاری از رو
تعلیق در کتاب الصوم از ابی هریره چنین آمده لولا ان اشق علی امتی لامرتم بالسواک
مع کل وضوء یعنی فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم اگر نه آنکه سخت میکردم بر است خود
هر آینه امر میکردم آنها را بمسواک کردن با هر وضوء و در روایت ابن خزمیه و حاکم و بخاری
عند کل وضوء آمده است و در روایت احمد و غیره عند کل وضوء آمده و در همان کتاب

بروایت احمد و طبرانی امام حسین است لولا ان اشق علی امتی لغضت علیه السلام السواک یعنی اگر آنکه سخت میکردم بر امت خود البته امر بغرضیت میکردم بر آنها مسواک کردن او در غایت عزیز

بروایت بزار و طبرانی از عباس بن عبد المطلب چنین مروی گشته لولا ان اشق علی امتی لغضت علیه السلام السواک عند کل وضوء کما لغضت علیه السلام الوضوء یعنی اگر نه آنکه سخت میکردم بر امت خود هر آینه فرض میکردم بر آنها مسواک کردن نزدیک هر نماز چنانچه فرض کردم وضوء او در همان کتاب

بروایت احمد از زینب بنت جحش چنین آمده قالت سمعت رسول الله صلی الله علیه و سلم یقول لولا ان اشق امتی الامر بهم بالسواک عند کل صلوٰة لما یتوضؤون یعنی گفت زینب شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و سلم را میفرمود که اگر نه آنکه سخت میکردم بر امت خود البته حکم میکردم آنها را برای مسواک کردن نزدیک هر نماز چنانکه وضوء میکنند چنانچه در مشکوٰة بروایت یحیی از

حذیفه آمده قال کان النبی صلی الله علیه و سلم اذا قام للتمجّد من اللیل لشیء فاه بالسواک یعنی حذیفه گفت رضی الله عنه بود نبی صلی الله علیه و سلم وقتیکه بر می خاست برای تجمّد از شب می مالید دهنش را به خود را بمسواک چنانچه در مشکوٰة بروایت ابی داؤد از عایشه را آمده است قالت کان النبی صلی الله علیه و سلم لیستاک فی عطین السواک لا غسله فابداً فاستاک

ثم غسله لوفعه البیع یعنی گفت عایشه رضی الله عنها با او آنحضرت صلی الله علیه و سلم مسواک میکرد پس میداد مرا مسواک که بشویم آنرا پس من شروع میکردم بان پس مسواک میکردم بستر می شوییم آنرا و دفع میکردم آنرا بسواک آنحضرت صلی الله علیه و سلم چهل و دوم آنچه در غنیة مسلمی است از مطهر و

لانشیطان من غرقه لئلا یکنه فی الخیطة ینزید فی الحسنة بشتیکه مسواک که در آن شیطانیست و خوش کردن ملائکه می پوشد گناهان او زیاده میکنند در نیکو یا چنانچه در او را در افتخار نقلان الکفایة بحیث روایت عایشه آمده ان النبی صلی الله علیه و سلم کان لیستاک اول النهار و آخره و هم

صالحم بدرشتیکه نبی صلی الله علیه وسلم بود که مسواک میکرد اول بدوزه و آخر آن حالیکه او دوزه دار بود
چهل و چهارم آنچه در مشکوٰۃ الاصباح بر روایت ترمذی ابو داؤد و از عامر بن بعبده آمده قال روایت النبی
صلی الله علیه وسلم الا انی لم یسوک هو صالحم یعنی گفت عامر بن بعبده که دیدم آنحضرت صلی الله
علیه وسلم آن مقدار که شمار کردن نمیتوانم که مسواک میکرد در حالیکه دوزه دار بود چهل و پنج آنچه در بنایه
بر روایت بزار آمده قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم خمس من سنن المرسلین الختان و التقليم
و الحجامة و السواک و التطهر یعنی فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم پنج چیز از سننهای مرسلین
هستند یکی ختنه کردن دوم ناخن تراشیدن سوم خون کشیدن چهارم مسواک کردن پنجم
خوشبو مالیدن چهل و ششم آنچه در صحیح مسلم از عایشه نقل است که انما قال رسول الله صلی الله
علیه وسلم سواک و طهورة فبعثه الله ما شاء ان یبعثه فیتسوک و یتوضأ و یصلی یعنی عایشه میگوید
که بودیم که دنیا میکردیم بر رسول خدا صلی الله علیه وسلم مسواک او را و آب وضوی او را پس
بر من انگیزت او را خدای عزوجل هر قدر که میخواست آنکه بر انگیزد او را پس مسواک میکرد
و وضو میکرد و نماز میخواند چهل و هفتم آنچه در فتح القدر و فرائد بر روایت بیهقی از انس نقل است
قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم یجوز من السواک الا صابغ یعنی کفایت میکند از مسواک
آنکه سه چهل و هشتم آنچه در امداد الفتاح و شرح شمنی قاری بر روایت طبرانی از عایشه صدیقہ
عنها روایت است قالت قلت یا رسول الله الرجل یدب فی دیشاک قال نعم قلت کیف یصنع
قال یدخل صبیعة فی فیه یعنی گفت ام لم یومنین عایشه که گفتم من یا رسول الله مردی که برود درین
دندان یا گوشت درین آیا او مسواک کند فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم آری گفتم چگونه فرمود
داخل کند انگشت خود در دهن خود چهل و نهم آنچه در امداد الفتاح و شرح شمنی قاری بر مختار
رضی الله عنه مرویست قال التثویب من المسبحة و الا بهام سواک یعنی شستن با کبیره کردن دهن از

انگشت شهادت ایهام سواک است چنانچه درین روایت است قال رسول الله عتقتانی السواک
 فصل و من لک من شئ قال اصعبک سواک عک عنده و من لک یعنی باوی گفت یا رسول الله عتقتانی سواک
 کردن پس سواک ازین چیزی هست که بود آنحضرت صلی الله علیه و سلم گفت تو سواک است نزدیکی و وضو
 چنانچه و یکم آنچه در سنن احمد از علی رضی الله عنه روایت است انه دعا بکون من بان فغسل وجهه و کفیه ثلاثا و ضمیر
 فاعمل بعض اصحابه فی فیه الحديث قال فی آخره هو وضو و رسول الله صلی الله علیه و سلم یعنی طلب کرد علی
 کوزه از آب پیش دست رو خود و در کف خود سه بار وضو کرد پس داخل کرد و بعضی انگشتان جمع و در بین خود
 تا آخر حدیث و فرموده آخر وضو این وضو سواک صلی الله علیه و سلم است چنانچه و دوم آنچه در مشکوٰۃ المصابیح
 بر روایت بخاری از عائشه صدیقہ رضی الله عنها موی گشته قالت ان من نعم الله علی ان رسول الله صلی
 علیه و سلم توفی فی بقیة من یومی یومئذ یخرج من تحتی الارض جمع بین رقیق و بقیة عن موته و دخل علی عبد الرحمن
 بن ابی بکر و بیده اسواک انما سئلت رسول الله صلی الله علیه و سلم فرائضه فیربط الیه و عفت ان یحب السواک فقلت
 آخذ به کف شاربه ان نعمتنا و اولیة فاشته صلی الله علیه و سلم ان نعیم فاشته فامره و بین بیده کوزه
 فیها ماء یجعل یصلح یمیه فی الماء یمسح بهما و یقول لا اله الا الله ان الموت سکران ثم یغسل یدیه فیمسح علیهما
 الا علی حتی یبصر و انک تید یعنی بدستیکه عائشه رضی الله عنها بود که میگفت تحقیق از نعمت است که در کارین
 است که تحقیق سواک صلی الله علیه و سلم وفات کرده شد و خانه من در روز نوبت مرگ و میان هدیه کردن
 من بدستیکه خدیجاتی جمع کرد آب من و آب من آنحضرت صلی الله علیه و سلم نزدیک شودی علیه السلام بدستیکه
 در کف برین عبد الرحمن سپاری بکروید و سواک بود و من یکینند رسول الله صلی الله علیه و سلم بود پس آنحضرت
 را صلی الله علیه و سلم که می بینید سواک پیشانم که آنحضرت دوست میدارد که سواک کند پس گفتم که گیرم آنرا
 برای من پس اشاره کرد که آری پس دم آنرا آنحضرت صلی الله علیه و سلم بخت شد سواک کردن بر آنحضرت گفتم
 که نرم کنم آنرا پس اشاره نمود که آری پس نرم کردم آنرا پس گفت آنرا پس بگذرانید بر دندان و بر آنحضرت
 کوزه بود که در می آورد و دستها خود را در آب می لایید بان رو خود را و میگفت لا اله الا الله تحقیق که بسیار است
 سختی آن پیش دست خود را پیش رو کرد و گفت ان یومئذ فی کل یوم الا علی تا اینکه قبض کرده شد و صاحب

وینقیاد دست او پنجاه و سوم آنچه در شرح سفر السعاده نقل از احمد و ابی داود و عن عبد الله بن عامر
الغفیل و در سند و ارجی از عبد الله بن عمر است قال قلت لاریت توجها ابن عمر کل صلوة طاهر او غیر طاهر
ذلک قال محدثه اسماء بنت زید بن الخطاب بن عبد الله بن خطابه بن عامر حدیثان رسول الله صلی الله علیه و سلم
امر بالوضوء لکل صلوة طاهر او غیر طاهر لما شق ذلک علیه من السواک لکل صلوة و کان ابن عمر یرى ان
علی ذلک قوه فکان للبدیع الوضوء لکل صلوة یعنی با وی گوید گفت که خبر ده که وضو کرد ابن عمر رضی الله عنه بر
هر نماز طاهر یا بش یا غیر طاهر تعمیم کرد این گفت که حدیث کرد او را اسماء بنت زید بن خطاب که تحقیق عبد
بن خطابه بن عامر حدیث کرد که رسول خدا صلی الله علیه و سلم حکم کرده شد بعضی بر نماز طاهر یا
یا غیر طاهر پس هر گاه که دشوار کرده شد این کار یا وضو کرده شد بر وی مسواک نزدیک هر نماز بود و عبد الله
بن عمر رضی الله عنه می دید که او بر این کار قویست پس ترک نمیکرد وضو برای هر نماز استی تحقیق نماد که
بست و دو سال میگذرد که این مسوده نوشته شده بود لیکن نوبت تبیین اکنون در راه رسید الا آخر
س که بکند و در دو صد و دوشش هجری نبوی رسید و انا بلغ الکلام الی هذا النظام فآخر دعوانا ان الحمد لله
رب العالمین و الصلوة علی سید المرسلین و آله الطاهرين و اصحابه الکاملین فقط

خاتمه

هزاران شکو و سپاس بروردگار و فرزان درود و سلام بر نبی مختار و آل اطهار و اصحاب اخبار که
این رساله فیض مقاله در احکام و فضائل مسواک تصنیف عالم فاضل نبیل علامه گیاره هجری زمانه کشان
و قائل فرعی و اصله حلال معافه عقلی و نقلی مولانا الحافظ محمد شاکر علی دام فیض الله علیه
بصحت تمام و اتمام این اقل نام محمد عبد الرحمن بن حاجی محمد و شیخان مغفور در
نظامی واقع کانپورا و اکل شهر جمادی الآخر ۱۲۸۳ هجری علیه انطباع پوشید و بابت تسام و برکتش

وجه مهر و دستخط بر خاتمه

برای سند اینجست که کتاب در مطبوع مطبع نظامی
است مهر و دستخط منتم در خاتمه افزوده شد

محمد روشن خان حنفی
محمد عبد الرحمن

صحنه غایت الادراک فی مسائل السوآک

بسم الله الرحمن الرحيم

عدم متکاثر و لغت متوافر در پرده مباد که برای کتاب قلمی یک غلطنامه کافی است چه
 بهر نسخه قلمی غلطنامه علی و میباشند و برای کتب مطبوعه یک غلطنامه برای جمله نسخ مطبوعه
 به طبع کفایت نمی تواند کرد زیرا که منتهای کار این است که اگر چهار پنج نسخ مطبوعه پیش نظر
 سه غلطنامه طیار کرده شود پس آن غلطنامه بنابر همان چهار پنج نسخ کافی خواهد شد
 بی دیگر نسخ چه میتواند شد که حرفی و لفظی دیگر در نسخ باقی مانده صاف پرنیاده یا غلط گردیده باشد
 در صورت عدم الطباق غلطنامه با جمله نسخ مصحح و کاتب غلطنامه را معذور باید داشت

| سطر | غلط | صحیح | صفحه | سطر | غلط | صحیح |
|-----|--------------|--------------|------|-----|--------------|--------------|
| ۳ | غیره | غیره | ۱۶ | ۴ | اذ استیک | اذا استیک |
| ۳ | پای خاطر غلط | پای خاطر غلط | ۱۶ | ۲ | نظاسر | نظاسیر |
| ۱۳ | یدل | تدل | ۱۶ | ۲ | ازن | از آن |
| ۸ | نبعته | فیبعته | ۱۶ | ۸ | کذا فی | فی |
| ۱۰ | لیثا | لیثا | ۱۶ | ۱۶ | وا فضل | والا فضل |
| ۱۳ | تیبغی | تیبغی | ۱۶ | ۱۹ | لینجرج | لیجرج |
| ۱۶ | الخنصر | الخنصر | ۲۲ | ۴ | لشرح الوقایه | لشرح الوقایه |

| صفحه | سطر | عناط | صحیح |
|------|-----|-----------------|---------------|
| ۲۲ | ۱۰ | النخشة | النخشة |
| ۲۹ | ۱۲ | للظفر | للظفر |
| ۳۲ | ۸ | بسواک | مسواک |
| ۳۴ | ۱۶ | المشتقة | المشتقة |
| ۳۶ | ۱۱ | توضوع | توضوع |
| ۳۶ | ۱۹ | ناخن | ناخبا |
| ۴۲ | ۳ | متقدم | مقدم |
| ۴۲ | ۸ | فطروا | فطروا |
| ۴۶ | ۹ | چهارم | چهارم |
| تتمت | | | |
| ۴۸ | ۵ | الاوصای | الاواوص |
| ۴۸ | ۱۲ | والمسواک | وبالمسواک |
| ۴۹ | ۵ | کردم وضو را | کردم بر اینها |
| ۴۹ | ۹ | وضو میکند | وضو میکند |
| ۴۹ | ۱۹ | الکفایه المحیبه | کفایه المحیبه |
| ۵۰ | ۳ | لیسوک | یتسوک |
| ۵۰ | ۹ | فبعثه الله | فبعثه الله |
| ۵۱ | ۹ | بین سحری | وبین سحر |

شماره

DUE DATE

(2)

۲۹۶۶۳۹۱
۳۵۹

| | | | |
|--|--|--|--|
| | | | |
|--|--|--|--|

